عصر قانون

روزنامه اجتماعی اقتصادی

یکشنبه

۸ آذر ۱۴۰۵ • ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۴۸ • 29November 2026

۸ صفحه • پنج‌هزارتومان • سال پنجم • شماره نهصد و چهل و هشت

www.asrghanoonir

تنگه هرمز تا تأمین شروط ایران بسته خواهد ماند



ویژه

امیر سرلشکر امیر حاتمی

فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران

امیر سرلشکر امیر حاتمی، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران در پیامی با تقدیر از دریادلان غیور و جان فدایان ایران سربلند اسلامی در ماموریت مقدس و مقتدرانهِ بسته ماندن تنگه هرمز، اعلام کرد: تنگه هرمز تا تأمین شروط ایران بسته خواهد ماند.

در این پیام آمده است:

بسم الله الرحمن الرحیم

هفتم آذر، روز نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران که به تعبیر رهبر شهید انقلاب، نیروی راهبردی نظام، و نیروی تعیین کننده و حیاتی است، یادآور اقتدار آفرینی دلاورانی است که با حماسه‌هایی بزرگ و ماندگار، در تاریخ ایران و آبهای نیلگون این کهن سرزمین، جاودانه شدند. در این رویدادِ آکنده از شکوه عزم ایرانی، مقاومت جانانه تکاوران نیروی دریایی در برابر تجاوز دشمن به خرمشهر عزیز در تاریخ ماندگار شد و عرصه‌های دفاع مقدس اول، دوم و سوم نشان داد که برای دفاع از تمامیت ارضی کشور و یکپارچگی ایران مقتدر، آماده جانفشانی و ایثار است و با هر دشمنی که به ایران اسلامی تعرض کند، بدون درنگ به مقابله می‌پردازد.

این نیروی توانمند نشان داد که ایران عزیز، با اقتدار درون‌زا و قدرت داخلی قادر است با تحرکات دشمن، چنان قاطعانه برخورد کند که به مدت ۹ ماه جرأت نزدیک شدن به حیطه تحت حفاظت آن در شمال اقیانوس هند و دریای عمان نداشته باشد و با نقش‌آفرینی مؤثر این نیرو در دفاع جانانه از تمامیت ارضی، آبادسازی سواحل کشور، مشارکت در توسعه دریامحور و تأمین خطوط مواصلاتی کشور عزیزمان، توسعه دیپلماسی دفاعی مبتنی بر قدرت دریایی ایران محقق شود .

امروز نیروی دریایی مقتدر ارتش جمهوری اسلامی ایران با همراهی سایر نیروهای مسلح مقتدر، به تعبیر رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای)مد ظله العالی(، پنجه در پنجه مستکبران عالم افکنده و ضعف و استیصال دشمن را در تنگه هرمز و دریای عمان نمایان ساخته و تلخی شکست‌های مکرر را در عرصه دریا، به دشمن چشانده‌است.

با تقدیر از دریادلان غیور و جان فدایان ایران سربلند اسلامی در ماموریت مقدس و مقتدرانه بستن این تنگه راهبردی، به حول و قوه الهی با پشتیبانی مردم شریف، تحت رهبری و فرماندهی امام خامنه ای عزیز، تنگه هرمز تا تأمین شروط ایران بسته خواهد ماند.

نیروی دریایی راهبردی ارتش، در پیشگاه رهبر رشید انقلاب و ملت عزیز، خود را موظف به توسعه قدرت دریایی ایران و تنبیه سخت دشمن متجاوز می‌داند و مصمم است تا انتقام شهدا، به ویژه دلاورمردان دنا و جماران را نستاند، از پای ننشیند.

اینجانب ضمن تبریک فرارسیدن روز نیروی دریایی ارتش و گرامیداشت حماسه و عزم فرزندان سفید پوش ملت در این نیروی مقتدر و توانمند، یاد و خاطره شهدای نیروی دریایی، از ناو شکن های پرافتخار دنا و جماران تا شهیدان پهپادی و موشکی و سایر دریادلان فدایی اسلام و ایران در نیروی دریایی ارتش را گرامی می‌دارم، استقامت و همراهی خانواده معظم این عزیزان را ارج می نهم و توفیقات روز افزون حماسه سازان این نیروی راهبردی را در پرتو عنایات حضرت حق، و توجهات حضرت ولی عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) مسئلت دارم.

فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران

سرلشکر ستاد امیر حاتمی

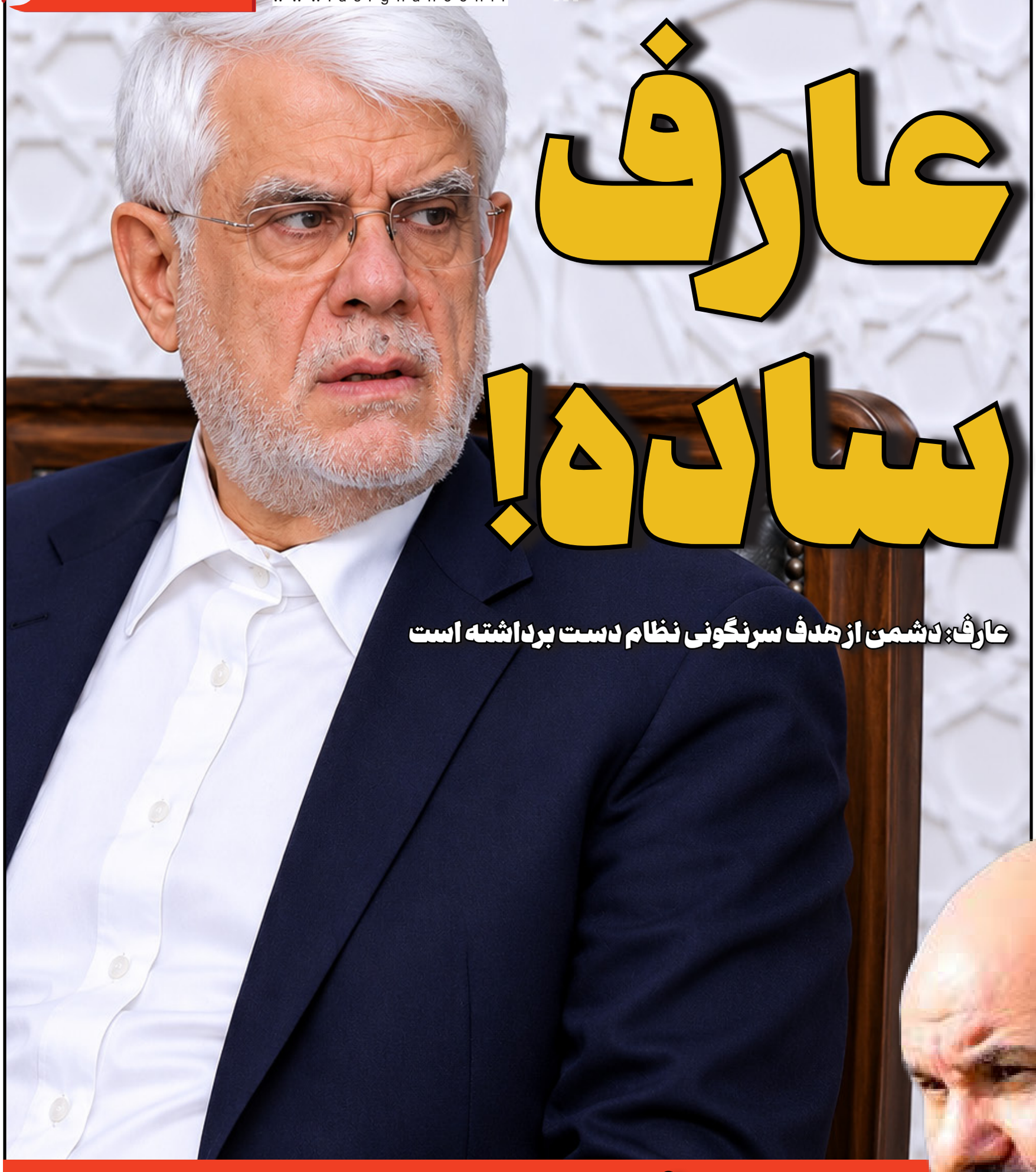

عارف ساده!

عارف: دشمن از هدف سرنگونی نظام دست برداشته است



مستأجران بخوانند

صاحبخانه در این شرایط حق بیرون کردن شما را ندارد

۷

استقلال به بلوغ رسیده است

۸

سازماندهی مجدد نظامیان سودانی

توسط عربستان برای جنگ در یمن

۴



مداخله ی ۳۰۰ هزار تومانی

فرار به جلوی همتی با ترفند «مداخلات هدفمند»!

با نزدیک شدن نرخ دلار به مرز ۳۰۰ هزار تومان، پاسخ‌های همتی به جای ارائه راهکارهای علمی و شفاف، تنها به تکرار واژگانی مثل «هدفمند» و «با قدرت» محدود شده است. این عدم شفافیت باعث شده تا کارشناسان و مردم به یک باور تلخ برسند: بانک مرکزی یا توان مقابله با این موج را ندارد، یا عمداً در حالِ تماشای حرکتِ دلار به سمتِ اعداد بالاتر است.

گروه اقتصادی عصرقانون:

در حالی که نرخ ارز در بازار ایران با سرعتی وحشتناک در حال صعود است و مرز ۳۰۰ هزار تومان برای هر دلار دیگر یک احتمالِ نزدیک نیست، بلکه یک واقعیتِ در حالِ وقوع است، رئیس بانک مرکزی با جملاتی مه‌آلود و کلی‌گویانه، سعی در آرام کردن فضای پرالتهاب دارد؛ اما حقیقت، چیز دیگری می‌گوید.

ادعای «ثبات» در برابر واقعیتِ «فروپاشی»

آقای همتی، رئیس بانک مرکزی، در آخرین اظهارات خود مدعی شد که بانک مرکزی با «درک شرایط دشوار معیشتی»، مداخلات ارزی «هدفمند» خود را برای حفظ ثبات بازار با قدرت ادامه می‌دهد. اما پرسش اصلی و جنجالی این است: این مداخلاتِ هدفمند دقیقاً چیست؟

چرا با وجود این ادعای مکرر، نرخ دلار از زمان بازگشت ایشان به بانک مرکزی، با جهش‌های نجومی روبرو شده است؟ اگر این مداخلات واقعاً «هدفمند» و «قدرتمند» بودند، چرا بازار با هر فشار کوچک، از کنترل بانک مرکزی خارج می‌شود؟

از وزیر اقتصاد تا رئیس بانک مرکزی؛ چرخه «فرو به جلو»*

منتقدان معتقدند که گویا الگوی مدیریت اقتصادی در این کشور تغییر نکرده است. همان‌طور که در دوران وزارت ایشان، با سیاست‌های «فرو به جلو» در حوزه اقتصاد با مشکلات مواجه شدیم، اکنون در قامت رئیس بانک مرکزی نیز شاهد هستیم که با همان کلی‌گویی‌ها و پوششِ نوسانات با جملاتی مثل «مداخلات هدفمند»، سعی در پنهان کردنِ ناتوانی در مهار بازار می‌شود. این رفتار، نه یک سیاستِ مدیریت بحران، بلکه یک تلاش برای «توجیهِ شکست» است.

*بحرانِ اعتماد

با نزدیک شدن نرخ دلار به مرز ۳۰۰ هزار تومان، پاسخ‌های همتی به جای ارائه راهکارهای علمی و شفاف، تنها به تکرار واژگانی مثل «هدفمند» و «با قدرت» محدود شده است. این عدم شفافیت باعث شده تا کارشناسان و مردم به یک باور تلخ برسند: بانک مرکزی یا توان مقابله با این موج را ندارد، یا عمداً در حالِ تماشای حرکتِ دلار به سمتِ اعداد بالاتر است.

در واقع، وقتی پاسخ به پرسش‌های اساسی جامعه، تنها با کلمات کلی و بدون ارائه جزئیاتِ عملیاتی همراه باشد، بانک مرکزی از یک نهادِ ناظر و کنترل‌کننده، به سازمانی تبدیل می‌شود که تنها می‌تواند «شکست‌های خود را توجیه کند».

پرسش بی‌پاسخ: اگر مداخلات نبود، دلار به کجا می‌رسید؟

بزرگترین سوالی که در ذهن هر مخاطب و کارشناسی می‌چرخد این است: اگر این مداخلاتِ ادعاییِ بانک مرکزی نبود، نرخ دلار امروز به چه اعداد فاجعه‌باری می‌رسید؟ آیا بانک مرکزی واقعاً در حالِ مهار نوسانات است، یا صرفاً در حالِ «کندیِ سرعتِ سقوط» است؟ پاسخ به این سوال، در میانِ اعداد و ارقامِ واقعی بازار و نه در میانِ کلماتِ کلیِ سخنرانی‌های رسمی، نهفته است.

محاصره ایران؛ آمریکا در تله اراده تهران؟



وضعیت حاکم بر تنش ایران و آمریکا پس از 8 ماه اکنون به نقطه اوج یک آزمون رسیده است: آزمون اراده‌ها و فراتر از آن قدرت ایجاد معادله‌ای به نفع خود؛ در این‌جا همه چیز درهم آمیخته‌اند: جغرافیا، نفت، محاصره اقتصادی، تاب‌آوری و سیاست، همه این‌ها کارت‌های دو طرف هستند که به اندازه عزم و اراده خود از آن‌ها استفاده می‌کنند.

محاصره دریایی آمریکا از نگاه ایران صرفا یک تنبیه اقتصادی از سوی واشنگتن نیست، بلکه تلاشی برای بازتعریف قواعد درگیری و تحمیل یکک واقعیت راهبردی است؛ واقعیتی که ایران را زیر فشار دائمی نگه می‌دارد، بی‌آنکه لزوما به جنگ دیگری منجر شود.

با این حال، مسئله اصلی اینجاست که آیا فشار اقتصادی و تهدید نظامی واقعا می‌تواند به تغییر رفتار سیاسی ایران منجر شود یا اینکه ادامه این سیاست، هزینه‌های تازه‌ای را برای خود آمریکا و متحدانش به همراه خواهد داشت؟

فشار اقتصادی؛ از فرسایش تا تحمیل اراده سیاسی

راهبرد آمریکا بر این فرض استوار است که محدود کردن مسیرهای اقتصادی و دریایی، به‌تدریج اقتصاد ایران را فرسوده می‌کند، توان آن را برای تأمین نیازهای مردمش کاهش می‌دهد و سپس فشار را از سطح اقتصادی به سطح سیاسی منتقل می‌کند؛ در نهایت نیز تهران را به پذیرش شروطی در مذاکرات وادار می‌سازد که در شرایط عادی امکان تحمیل آن‌ها وجود نداردا‌ین حال، مقامات آمریکایی همچنان اصرار دارند یک نکته اصلی را نادیده بگیرند و آن هم اینکه که فشار اقتصادی، هر اندازه هم شدید باشد، لزوماً به دستاورد سیاسی منجر نمی‌شود؛ چنان که پیش از این نیز نشده است؛ چرا که ایران، همانند یک کشور اروپایی نیست که با کوچکترین تهدید از جنس افزایش تعرفه‌ها، سر به خواسته آمریکا فرود آورد؛ این یک شعار نیست؛ واقعیتی است که جریان دارد؛ آن هم ایرانی که تجربه طولانی در مقابله با تحریم‌ها و ایجاد مسیرهای جایگزین برای تجارت و تأمین نیازهای خود دارد.این به معنای آن نیست که محاصره هیچ فشار واقعی بر ایران وارد نمی‌کند یا اقتصاد ایران از پیامدهای آن مصون است. مسئله اصلی این است که واشنگتن تا چه اندازه می‌تواند این فشارها را به ابزاری برای امتیازگیری از ایران تبدیل کند. میان آسیب زدن به اقتصاد یک کشور و توانایی کنترل تصمیم‌های حاکمیتی آن تفاوت وجود دارد و این همان چیزی است که هراندازه منتقدان آمریکایی ترامپ به او گوشزد می‌کنند او حاضر به پذیرش آن نیست؛ حتی اگر این واقعیت را در خلوت خود پذیرفته باشد، بهر حال در حال حاضر کارت دیگری جز امید به محاصره اقتصادی در برابر ایران ندارد.به هر شکل، محاصره دریایی تنها قرار نیست میزان تاب‌آوری اقتصاد ایران را نشان دهد، بلکه توانایی آمریکا در تبدیل قدرت اقتصادی‌اش به نتیجه دلخواه سیاسی را نیز نشان خواهد داد؛ به این معنا که اگر واشنگتن نتواند از این فشارها امتیاز سیاسی بگیرد، محاصره به‌جای یک ابزار کم‌هزینه، به عاملی برای فرسایش خود آمریکا تبدیل خواهد شد.

جغرافیای ایران؛ مانعی در برابر انزوای کامل

یکی دیگر از عواملی که محاسبات آمریکا را پیچیده می‌کند، موقعیت جغرافیایی ایران و ارتباط گسترده آن با کشورهای همسایه است. تهران برای مقابله با فشارهای دریایی، تنها به مسیرهای جایگزین در دریا متکی نیست، بلکه مرزهای زمینی و شبکه تجارت منطقه‌ای را نیز بخشی از ظرفیت اقتصادی خود می‌داند.روابط تجاری ایران با عراق، ترکیه، پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی، در کنار ظرفیت مبادلات از مسیر دریای مازندران، امکان ادامه بخشی از فعالیت‌های اقتصادی را فراهم می‌کند. البته میزان تأثیر این مسیرها به شرایط سیاسی، اقتصادی و همکاری کشورهای همسایه بستگی دارد، اما همین ارتباطات نشان می‌دهد که منزوی کردن کامل ایران به‌آسانی امکان‌پذیر نیست.عراق به دلیل پیوندهای اقتصادی و جغرافیایی گسترده با ایران، ترکیه به دلیل منافع مستقل اقتصادی و منطقه‌ای و پاکستان به دلیل ملاحظات تجاری، امنیتی و انرژی، هر یک محاسبات خاص خود را دارند. بعید است همه این کشورها منافعشان را به‌طور کامل با سیاست محاصره آمریکا گره بزنند. هرچند اعتمادبنفس مخالفت صریح و آشکارا با آمریکا را ندارند؛ اما در عمل حاضر به بستن کامل مرزهای خود به روی ایران نیستند؛ در نتیجه، واشنگتن برای گسترش فشار از مسیرهای دریایی یه مرزهای زمینی، با محدودیت‌ها و پیچیدگی‌های بیشتری روبه‌رو خواهد بود.

تنگه هرمز؛ نقطه حساس معادله

در این میان، تنگه هرمز جایگاهی تعیین‌کننده دارد و هرگونه تشدید تنش در آن می‌تواند بازارهای انرژی، هزینه حمل‌ونقل، بیمه کشتی‌ها و زنجیره تأمین جهانی را تحت تأثیر قرار دهد.به همین دلیل، پیامدهای فشار بر ایران را نمی‌توان به داخل مرزهای این کشور محدود کرد. هرگونه اختلال در امنیت کشتیرانی در خلیج فارس و تنگه هرمز، کشورهای مصرف‌کننده انرژی و اقتصادهای وابسته به جریان نفت و گاز را نیز درگیر خواهد کرد.موضع تهران در این زمینه بر این اصل استوار است که امنیت دریانوردی و تجارت دریایی در خلیج فارس یا برای همه یا برای هیچ‌کس!. از نگاه ایران، نمی‌توان از ثبات مسیرهای دریایی سخن گفت، اما هم‌زمان حقوق اقتصادی و حاکمیت یک کشور را زیر فشار قرار داد.این موضع به معنای آن نیست که بستن تنگه یا مختل کردن کشتیرانی، به‌خودی‌خود هدف ایران است. اهمیت هرمز در این است که یکی از عوامل تأثیرگذار بر محاسبات بازدارندگی به شمار می‌رود و نشان می‌دهد پیامدهای فشار بر ایران را نمی‌توان فقط به داخل مرزهای این کشور محدود کرد.

در سوی دیگر، دولت آمریکا نیز برای ادامه این رویارویی با محدودیت‌هایی روبه‌رو است. افزایش قیمت انرژی، هزینه‌های استقرار نیروهای نظامی و تأثیر تنش‌ها بر بازارهای جهانی، می‌تواند فشار داخلی بر کاخ سفید را افزایش دهد. کنگره، اختلافات سیاسی و ملاحظات حزبی نیز بر تصمیم‌های دولت آمریکا اثر گذاشته‌اند.



دشمن از هدف سرنگونی نظام دست برداشته است

محمدرضا عارف در جلسه بررسی وضعیت ذخایر کالاهای اساسی و دارو، با بیان اینکه ذخایر کالاهای اساسی کشور در وضعیت بسیار خوبی قرار دارد، اظهار کرد: شرایط امروز کشور حاصل عملکرد مناسب همه دستگاه‌ها از جمله وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، صنعت، معدن و تجارت، امور اقتصادی و دارایی، کشور و امور خارجه، سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی است که با وفاق و همدلی در میدان حضور داشتند و با نگاه حل مسئله عمل کردند.

معاون اول رئیس‌جمهوری با اشاره به همراهی نهادهای عمومی، بخش خصوصی و فروشگاه‌های زنجیره‌ای با دولت در تأمین نیازهای مردم، از عملکرد استانداری‌ها قدردانی کرد و افزود: استانداری‌ها در تحقق راهبرد تفویض اختیار خوش درخشیدند.

عارف، شجاعت ذاتی و اعتقادی رئیس‌جمهوری را مهم‌ترین عامل موفقیت کشور در تأمین کالاهای اساسی دانست و اظهار کرد: اقدامات دکتر پزشکیان در این مدت گره‌گشا بود و رضایت خداوند و مردم همواره محور اقدامات ایشان است. شاهد تلاش‌های شبانه‌روزی دکتر پزشکیان هستم و هرگاه وزرا موضوع مهمی درباره مسائل کشور مطرح می‌کرد، رئیس‌جمهوری بلافاصله جلساتی برای بررسی و حل آن مسائل برگزار می‌کرد.

وی با اشاره به تصمیمات دولت در زمینه اصلاح ساختار اقتصادی کشور گفت: اتخاذ این تصمیمات می‌توانست مسائلی برای کشور ایجاد کند و جراحی اقتصادی نیز ممکن بود با دردهایی همراه باشد، اما رئیس‌جمهوری ریسک برخی دردهای جزئی را پذیرفت و با عنایت خداوند و همراهی مردم، حتی در بخش‌هایی که نسبت به اجرای اصلاحات اقتصادی نگرانی داشتیم، عملکرد موفق‌تری حاصل شد.

معاون اول رئیس‌جمهوری با اشاره به نگرانی‌های اولیه درباره اصلاح قیمت بنزین، اظهار کرد: با همراهی سایر قوا، بخش‌های امنیتی و شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا، تصمیمات اتخاذشده به‌خوبی اجرایی شد. نتیجه این اقدامات آن بود که ایران به‌عنوان کشوری که سال‌ها تحت تحریم قرار داشت، در برابر آمریکا که مدعی ابرقدرتی است، ایستادگی کرد و اجازه نداد دشمن به اهداف خود دست یابد.

بخش خصوصی طلبکار دولت است

عارف با قدردانی از عملکرد بخش خصوصی و همراهی فعالان اقتصادی با دولت در تأمین کالاهای اساسی گفت: بخش خصوصی طلبکار دولت است و دولت نیز بدهی‌های به‌جامانده از گذشته به بخش خصوصی را به رسمیت شناخته است.

وی با قدردانی از صبر و همراهی بخش خصوصی در زمینه دریافت مطالبات خود از دولت، ابراز امیدواری کرد که با توجه به تأکید رئیس‌جمهوری، این مطالبات هرچه سریع‌تر پرداخت شود.

اثبات کردیم دست ایران در برابر محاصره دریایی دشمن بسته نیست

معاون اول رئیس‌جمهوری وضعیت ذخایر کالاهای اساسی کشور را مطلوب و فراتر از میزان تعیین‌شده در مصوبات شورای عالی امنیت ملی ارزیابی کرد و گفت: مبادلات تجاری کشور نیز در وضعیت مناسبی قرار دارد و واردات کالاهای اساسی از بنادر و مبادی شرقی و غربی کشور در حال انجام است. اثبات کردیم که دست ما در برابر محاصره دریایی دشمن بسته نیست.

عارف همچنین بر ضرورت تداوم روند توسعه بنادر شمالی کشور و سایر مبادی ورودی تأکید کرد و افزود: دشمن باید متوجه شود که اگر محدودیت‌هایی در بنادر جنوبی ایجاد کند، کشور دچار مشکل نخواهد شد و این محدودیت‌ها را از طریق سایر مبادی مرزی جبران خواهیم کرد.

وی با اشاره به شرایط خاص کشور اظهار کرد: دولت چهاردهم دولت جنگ است. هیچ‌یک از دولت‌های گذشته به‌صورت مستقیم با آمریکا در جنگ نبودند، اما ما برای دفاع از خود آمادگی داشتیم و آمادگی امروز ما به‌هیچ‌وجه با ابتدای دولت قابل مقایسه نیست. با تدبیر رهبر شهید انقلاب و امام سوم انقلاب و همراهی مردم، این مسیر را پیش می‌بریم. البته مشکلاتی نیز وجود دارد، اما راهکارهای ما برای حل این مشکلات بومی است.

دشمن دیگر از هدف سرنگونی نظام دست برداشته است

معاون اول رئیس‌جمهوری با بیان اینکه ایران در شرایط خاصی قرار دارد، اظهار کرد: دشمن دیگر از هدف سرنگونی نظام دست برداشته است و نمی‌خواهد بیش از این در تاریخ مورد تمسخر قرار گیرد که قصد سرنگونی نظامی را داشت، اما آن نظام مقاومت کرد و با قدرت بیشتری در مسائل بین‌المللی نقش‌آفرینی کرد.

عارف با تأکید بر آمادگی کامل کشور برای دفاع تصریح کرد: رزمندگان ما اثبات کردند که مرد میدان هستند و از سوی دیگر، ما اهل گفت‌وگو نیز هستیم.

وی خطاب به رسانه‌ها و صاحبان قلم، خواستار انعکاس عملکرد کشور در دو تا سه سال اخیر، فارغ از گرایش‌ها و جریان‌های سیاسی شد و گفت: شما صاحبان قلم، فراتر از جریان‌های سیاسی، عملکرد دو تا سه سال اخیر را به تصویر بکشید و دولت را نقد و آسیب‌شناسی کنید تا روند امور اصلاح شود؛ زیرا نمی‌توانیم مدعی باشیم که شرایط ایران ایده‌آل است و مشکلاتی نیز وجود دارد.

راهبرد ستاد تنظیم بازار، تثبیت قیمت کالاهای اساسی در سه ماه پیش رو است

معاون اول رئیس‌جمهوری با اشاره به مناسبت‌های مذهبی ماه‌های رجب، شعبان و رمضان و در پیش بودن تعطیلات نوروز، بر ضرورت آمادگی کامل دستگاه‌های اجرایی برای تأمین کالاهای اساسی مورد نیاز مردم در ماه‌های آینده تأکید و اظهار کرد: راهبرد ما تأمین ثبات و پایداری نسبی اقتصادی است و اگر با گران‌فروشی مواجه شویم، قطعاً باید با آن برخورد کنیم. راهبرد ستاد تنظیم بازار، تثبیت قیمت کالاهای اساسی در سه ماه پیش رو است و حتی افزایش یک تا دو درصدی قیمت‌ها نیز آثار روانی بر جامعه دارد و ما با همراهی تولیدکنندگان به دنبال تأمین تولید پایدار و تثبیت قیمت‌ها هستیم.

شعام مسئول هماهنگی اجرای مقابله با نفوذ

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه مجازی با قوه مقننه گزارش کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس درباره طرح مقابله با نفوذ بیگانگان را بررسی کرده و مواد 8 و 11 و 18و 33 این طرح را به تصویب رساندند.

بر اساس ماده 8 این طرح، فعالیت مغایر اطلاعات ثبت‌شده در سامانه یا شرایط مندرج در مجوز صادره توسط مراجع تخصصی ذی‌ربط از قبیل وزارتخانه‌های «فرهنگ و ارشاد اسلامی»، «صنعت، معدن و تجارت» ممنوع و مشمول مجازات‌های مقرر در این قانون است. موارد معاف از ثبت از جمله فعالیت‌های عادی و روزمره، از شمول این ماده مستثنی است.

بر اساس تبصره ماده 18 این طرح، فهرست سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی، نظامی یا شبه‌نظامی دولت‌های بیگانه و رژیم صهیونیستی که ممنوعیت ارتباط با آنها به موجب مصوبات لازم‌الاجرای شورای عالی امنیت ملی اعلام شده است، توسط وزارت اطلاعات و با همکاری سازمان اطلاعات سپاه تهیه و حداکثر ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به‌صورت عمومی منتشر می‌شود. تغییرات این فهرست نیز بلافاصله پس از ابلاغ مصوبات مربوط و لازم‌الاجرا شدن آنها، اعلام خواهد شد.

بر اساس ماده 11 این طرح، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، مسئول هماهنگی بر اجرای این قانون بوده و هر شش ماه یک‌بار گزارش نتایج اجرای این قانون را از دستگاه‌های ذی‌ربط دریافت و جهت اطلاع و انجام وظایف نظارتی به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.



بر اساس ماده 33 این طرح، دستورالعمل اجرایی این قانون مشتمل بر فرآیندهای ثبت، استعلام و صدور مجوز در سامانه موضوع ماده (10) این قانون و شیوه‌های نظارت و بازرسی دستگاه‌های مجری و ناظر، حداکثر تا 4 ماه پس از اجرا شدن این قانون توسط وزارت اطلاعات با همکاری سازمان اطلاعات سپاه تهیه می‌شود و جهت تصویب به تایید شورای‌عالی امنیت ملی ارائه می‌شود.

پایان بررسی طرح مقابله با نفوذ بیگانگان در مجلس

بنابراین گزارش در نهایت 33 ماده این طرح به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید، با پایان بررسی این طرح در مجلس شورای اسلامی، اکنون شورای نگهبان باید نظر خود را درباره مصوبات مجلس در این طرح ارائه کند.

گذشته‌ای که جعل می‌شود تا آینده‌ای ساخته شود



دکتر محمدهادی همایون، استاد گروه فرهنگ و تمدن دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، در گفت‌وگویی اختصاصی به بررسی ریشه‌های تاریخی تحریف و کارکرد آن در تقابل تمدنی امروز پرداخت.
همایون با اشاره به اظهارات برخی مقامات غربی درباره تاریخ ایران و اسلام گفت: ورود به موضوع تاریخ، به‌ویژه در مسائلی که امروز برای ما اهمیت راهبردی دارد، کاری حساس است. از یک سو رفتارهای امروزین آمریکا به اندازه‌ای رسواست که برای تبیین تقابل نیازی به بازگشت طولانی به گذشته نیست. اشاره به رویدادهای اخیر یا کودتای 28 مرداد 1332 کافی است تا ماهیت جریان استکبار روشن شود.

وی افزود: از سوی دیگر ریشه‌های این دشمنی بسیار عمیق‌تر و عقیدتی‌تر است. برای تحلیل درست صحنه باید به آن ریشه‌ها توجه کرد. اینجا است که مسئله تحریف اهمیت پیدا می‌کند. اینکه چه کسی چه روایتی از تاریخ ارائه می‌دهد و چگونه می‌کوشد گذشته را از آن خود کند، پرسشی بنیادین است.استاد دانشگاه امام صادق تأکید کرد: ما سال‌ها بیشتر به تقابل امروزین پرداخته‌ایم و جریان تاریخی را به‌طور عمیق نکاویده‌ایم. اکنون که صحنه شدت گرفته، نیازمند بازبینی آن تقابل تاریخی هستیم. باید روشن کنیم آیا تقابل همین بوده که امروز مشاهده می‌کنیم یا موضوع چیز دیگری است و ما در کجای این داستان قرار داریم.

همایون در پاسخ به این پرسش که آیا این رویکرد محدود به دولت خاصی در آمریکاست، اظهار داشت: مربوط به یک دولت نیست، اما دولت کنونی آشکارترین تجلی آن چیزی است که در تاریخ شاهد بوده‌ایم. این دولت توانسته عمق خباثت جریانی را که می‌توان حزب شیطان نامید، نمایان کند. این اتفاق تصادفی نیست و مسیر طبیعی سیر آن جریان است.

وی ادامه داد: در سطح سیاسی روزمره، تفاوت دموکرات و جمهوری‌خواه برای ما چندان معنادار نیست. این تقابل بسیار عمیق‌تر از آن است که در لایه‌های سیاسی کوتاه‌مدت تفاوتی ایجاد کند. عمق تمدنی و فرهنگی است که نقش اصلی را ایفا می‌کند. بنابراین باید به تاریخ بازگشت و ریشه تقابل‌ها را جست‌وجو کرد.

جنگ تمدنی ، ایران قوی ، جنگ رمضان ، تاریخ شفاهی ،

استاد گروه فرهنگ و تمدن دانشگاه امام صادق با تأکید بر ماهیت این تقابل گفت: این تقابل، تقابل دو منطقه جغرافیایی یا دو شیوه حکمرانی نیست. این تقابل عمیق حق و باطل است که از روز نخست تاریخ آغاز شده و در طول زمان تجلیات گوناگونی داشته است. امروز در قالب جریان انقلاب اسلامی و مقاومت از یک سو و جریان استکبار از سوی دیگر ظهور یافته است.

همایون افزود: وقتی موضوع این‌قدر کهن و از جنس حق و باطل باشد، طبیعی است که با تحریف روبه‌رو باشیم. قرآن کریم نقطه تمرکز آنان را نشان می‌دهد. آنان از دیرباز وارد تحریف شده‌اند؛ همان‌گونه که از دیرباز وارد ترور شده‌اند. در جنگ اخیر مشاهده کردیم که به اندازه تمرکز ما بر توان موشکی، آنان بر ترور متمرکز بوده‌اند. آنان در ترور و تحریف مهارت دارند و مهم‌ترین هدف تحریف برای آنان کتاب آسمانی بوده است.

وی خاطرنشان کرد: تاریخ بخش مهمی از هویت ماست. اگر تاریخ خود را ندانیم، ناچاریم آن را از نو تجربه کنیم. تاریخ تکرار می‌شود تا قومی بتواند مسیری را که دیگران ناتمام گذاشته‌اند به سرانجام برساند. به همین دلیل تحریف برای جریان باطل موضوعی حیاتی است.

همایون با اشاره به ضرورت تبیین تاریخی دقیق گفت: وقتی وارد این بحث شدم، از بنی‌امیه آغاز کردم. روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وجود دارد که می‌فرماید جریان ما و بنی‌امیه از ابتدا آغاز شده و تا انتها ادامه دارد. این یک جریان متصل است. وقتی عقب‌تر رفتم، به دوران پیامبران پیشین رسیدم و سرانجام ریشه را در ماجرای تمرد شیطان از سجده بر انسان یافتم.

وی ادامه داد: ابلیس گفته است من این کار را نمی‌کنم و نمی‌گذارم پروژه انسان در زمین به نتیجه برسد. او علاوه بر یارگیری از جن و انس، تشکیلات ساخته است. جدی‌ترین نفوذ این جریان در تشکیلات انبیا در قوم بنی‌اسرائیل رخ داد. به همین دلیل وقتی از حزب شیطان سخن می‌گوییم، اغلب به آن اشاره می‌شود؛ هرچند این جریان در ادیان دیگر نیز حضور داشته است.

استاد دانشگاه امام صادق با نقد روایت رایج درباره کشف آمریکا گفت: می‌گویند کریستف کلمب آن سرزمین را کشف کرد، در حالی که پیش از آن ساکنانی داشت و تمدن‌های بزرگی در آن وجود داشت. اروپایی‌ها آن را اشغال کردند. بازماندگان طوفان نوح که به آن سرزمین رفته بودند، همان‌هایی هستند که امروز با عنوان سرخ‌پوستان شناخته می‌شوند. قتل‌عامی که در قرن نخست حضور اروپایی‌ها رخ داد، ابعاد بسیار گسترده‌ای داشت. اگر می‌خواهیم به تاریخ بازگردیم، باید این روایت را بازگو کنیم.

همایون با استناد به روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت: راوی از پیامبر درباره جنگی که در آخرالزمان میان ایران و روم رخ می‌دهد می‌پرسد. پیامبر پاسخ می‌دهند: مگر جهان چیزی غیر از ایران و روم است؟ پیامبر خلقت را به‌گونه‌ای می‌بینند که ماجرای آفرینش با داستان ایران و روم گره خورده است.

وی تأکید کرد: ایران ترجمه جغرافیایی جریان حق است. تنها گروهی که پس از طوفان نوح بر توحید باقی ماندند، کسانی بودند که به این سرزمین آمدند. تاریخ ایران پر از نهضت‌ها و قیام‌هایی است که در چارچوب تقابل حق و باطل معنا می‌شوند.

استاد گروه فرهنگ و تمدن دانشگاه امام صادق در پایان گفت: ما باید از حالت دفاعی خارج شویم و آفند تمدنی را فعال کنیم. تحریف سازوکارهای پیچیده‌ای دارد و نخستین گام آن ایجاد بی‌حسی تاریخی است. تا زمانی که منابع هویت‌ساز خود را جدی نگیریم، در برابر این تحریف آسیب‌پذیر خواهیم بود. الگوهای تمدنی ما روشن است و ایران تجلی جغرافیایی آن الگو به شمار می‌رود.

از جمهوری اسلامی تا مدینه فاضله فارابی چقدر فاصله است؟

سید مهدی امامی جمعه استاد تمام دانشگاه اصفهان در نشست علمی فلسفه سیاسی فارابی که به مناسبت روز بزرگداشت ابونصر فارابی و روز حکمت و فلسفه در پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی برگزار شد به تبیین سعادت مدنی و عدالت اجتماعی در فلسفه سیاسی فارابی پرداخت.
در ابتدای این نشست سیدمهدی امامی جمعه با طرح این پرسش که فلسفه سیاسی فارابی چه نسبتی با مسائل و نیازهای امروز جامعه دارد، اظهار داشت: بارها این پرسش مطرح شده است که فلسفه سیاسی فارابی با توجه به فاصله تاریخی بیش از هزار ساله با زمانه ما، چه فایده‌ای برای امروز دارد و آیا می‌توان از آن به‌عنوان الگویی برای نظام حکمرانی معاصر استفاده کرد؟
وی با اشاره به ضرورت بازخوانی میراث فلسفی اسلامی بیان کرد: ما به فلسفه‌ای متناسب با وضعیت تاریخی و زمانه خود نیاز داریم، اما این فلسفه نمی‌تواند امری وارداتی و جدا از تاریخ و سنت فکری ما باشد، بلکه باید ریشه در سنت فلسفی خودمان داشته باشد. اندیشه‌های فارابی، ابن‌سینا، سهروردی، میرداماد و ملاصدرا سرمایه‌های فکری و فلسفی ما هستند که می‌توانند زمینه گفت‌وگو، بازخوانی و نقد را فراهم کنند و به شکل‌گیری اندیشه‌ای متناسب با شرایط امروز بینجامند.
استاد تمام دانشگاه اصفهان با اشاره به مفهوم قونیه در آثار فارابی خاطرنشان کرد: فارابی در تبیین اجزای علم مدنی به ویژه در رساله التنبیه علی سبیل السعادة، علم اخلاق و فلسفه سیاسی را دو جزء اصلی علم مدنی معرفی می‌کند و بر ضرورت پویایی و استمرار آن‌ها تأکید دارد. از این منظر، فلسفه سیاسی نباید به نقطه‌ای ایستا تبدیل شود، بلکه باید جریانی زنده باشد که در آن تجدید، تأسیس، بازخوانی و نقادی به‌طور مستمر صورت گیرد.
امامی جمعه سه مؤلفه سعادت مدنی، عدالت اجتماعی و فلسفه سیاسی را مقولاتی مرتبط با یکدیگر دانست و افزود: سعادت مدنی در اندیشه فارابی صورت اجتماعی سعادت است و امکان دستیابی به آن باید برای همه اعضای مدینه فراهم باشد. از همینرو، تحقق چنین سعادتی از یک سو به قوانین اجتماعی و از سوی دیگر به چگونگی نظام حکمرانی وابسته است و عدالت اجتماعی یکی از شاخصه‌های اصلی آن به شمار می‌رود.
وی با اشاره به اینکه فلسفه سیاسی فارابی از مسئله سعادت آغاز می‌شود، به دیدگاه این فیلسوف در کتاب السیاسة المدنیة استناد کرد و خاطر نشان کرد: فارابی تحقق و بلوغ سعادت را در گرو زوال شرور از مدینه‌ها و امت‌ها می‌داند، شروری که تنها به امور ارادی محدود نمی‌شوند، بلکه شرور طبیعی را نیز دربرمی‌گیرند. از سوی دیگر،تحقق سعادت مستلزم جریان یافتن خیرات طبیعی و ارادی در جامعه است. همچنین از دیدگاه فارابی، مدبر مدینه،یعنی حاکم باید سیاست‌گذاری‌های کلان را به‌گونه‌ای سامان دهد که اجزای جامعه با یکدیگر ائتلاف و همکاری داشته باشند و از طریق تنظیم روابط اجتماعی، زمینه جذب خیرات و دفع شرور فراهم شود.امامی جمعه با اشاره به دو رساله التنبیه علی سبیل السعادة و تحصیل السعادة اظهار داشت: فارابی در رساله نخست مسیر دستیابی به سعادت را به‌صورت اجمالی ترسیم می‌کند و در رساله دوم، چگونگی تحقق آن را توضیح می‌دهد. وی در این آثار تأکید می‌کند که سعادت مورد نظر، فقط سعادت فردی نیست، بلکه سعادت در سطح مدینه و امت و در نتیجه، صورت اجتماعی سعادت است.

این پژوهشگر فلسفه سیاسی چهار فضیلت نظری، فکری، اخلاقی و عملی را از الزامات تحقق سعادت مدنی برشمرد و خاطرنشان کرد: این فضایل باید در قالب یک نظام منسجم و دارای ترتیب شکل بگیرند، به‌گونه‌ای که فضیلت فکری مبتنی بر فضیلت نظری، فضیلت اخلاقی مبتنی بر فضیلت فکری و فضیلت عملی مبتنی بر فضیلت اخلاقی باشد. از همینرو، مراد فارابی از فضیلت نظری، مجموعه علوم نظری شامل علوم منطقی، ریاضی، طبیعی، الهی، علم مدنی و علوم وحیانی است. همچنین علوم وحیانی نیز به شریعت و شریعت به فرایند اجتهاد منتهی می‌شود. در نتیجه، مجموعه این علوم باید به یک نظام فکری تبدیل شود تا سیاست‌گذاری‌های کلان و سپس سیاست‌گذاری‌های جزئی بر اساس آن شکل بگیرد.با اشاره به ضرورت حضور دانش‌های مختلف در عرصه حکمرانی افزود: فارابی در تبیین فضیلت فکری، بر توانایی انسان در استنباط مناسب‌ترین راهکارها برای دستیابی به خیرات مشترک تأکید دارد. از این منظر، نظام حکمرانی باید بتواند در مواجهه با مسائل و پدیده‌های جدیدی که پیوسته وارد جامعه می‌شوند، تدابیر جزئی و متناسبی اتخاذ کند تا بیشترین منفعت مشترک برای مدینه و امت حاصل شود.
امامی جمعه با انتقاد از تقلیل مفهوم سعادت در فلسفه اسلامی به سعادت اخروی و معنوی بیان کرد:: سعادت در اندیشه فارابی محدود به امور اخروی نیست، بلکه جنبه دنیوی و اخروی دارد. همچنین در جنبه دنیوی، هم ابعاد مدنی و هم ابعاد تمدنی مورد توجه قرار گرفته است، بنابراین نمی‌توان فلسفه سیاسی فارابی را بدون توجه به ابعاد اجتماعی و تمدنی سعادت تحلیل کرد.
وی قانون و عدالت را دو مؤلفه اساسی در مسیر تحقق سعادت مدنی دانست و اظهار داشت: در اندیشه فارابی حرکت از سعادت به قانون و از قانون به عدالت می‌رسد. قوانین نیز به دو دسته بلندمدت و کوتاه‌مدت تقسیم می‌شوند و باید متناسب با افق زمانی خود مورد استفاده قرار گیرند، زیرا مواجهه بلندمدت با قوانین کوتاه‌مدت یا برعکس، می‌تواند به بروز بیماری‌ها و بحران‌های اجتماعی منجر شود.
این استاد دانشگاه با اشاره به جایگاه عدالت در رساله الملّة بیان کرد: فارابی معتقد است افعال و سیاست‌گذاری‌های حاکم باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که معاملات و تعاملات اجتماعی میان ساکنان مدینه بر اساس عدالت شکل بگیرد. البته در کتاب فصول منتزعة نیز مباحث مفصلی را به عدالت اختصاص داده و آن را در دو سطح خیرات مشترک و خیرات استحقاقی بررسی کرده اس. از این منظر، عدالت در اندیشه فارابی تنها به معنای برابری نیست، بلکه ترکیبی از دو اصل برابری و نابرابری است. در سطح نخست، خیرات مشترک باید در اختیار همه اعضای جامعه قرار گیرد و در سطح دوم، برخورداری از برخی خیرات و فرصت‌ها بر اساس شایستگی‌ها و استحقاق افراد صورت می‌گیرد.امامی جمعه با اشاره به برخی شباهت‌های این دیدگاه با نظریه عدالت جان رالز افزود: در نظریه رالز می‌توان میان خیرات اولیه و برخورداری‌های مبتنی بر تفاوت استعدادها و شایستگی‌ها تمایز قائل شد. با این حال مسئله مهم این است که نابرابری‌های ناشی از تفاوت شایستگی‌ها نباید به شکل‌گیری تبعیض و محرومیت بینجامد و اصل برابری را تحت‌الشعاع قرار دهد. به طوری که در بازخوانی اندیشه فارابی می‌توان گفت بهره‌مندی‌های مبتنی



بر شایستگی باید به‌گونه‌ای سامان یابند که در نهایت جذب خیرات و دفع شرور به منفعت عمومی جامعه منجر شود.این پژوهشگر فلسفه سیاسی فضیلت، قدرت، قانون و عدالت را چهار پایه حکمرانی فاضله در اندیشه فارابی معرفی کرد و با اشاره به تشبیه نظام حکمرانی به طبابت در آثار این فیلسوف اظهار داشت: فارابی در پایان کتاب الملّة به وجود بیماری‌های اجتماعی در مدینه و امت اشاره می‌کند. همان‌گونه که طبیب وظیفه شناسایی و رصد بیماری‌ها را پیش از بروز کامل علائم و همچنین درمان آن‌ها پس از تحقق بر عهده دارد، نظام حکمرانی نیز باید از توانایی پیشگیری و درمان آسیب‌های اجتماعی برخوردار باشد. همچنین شناسایی و رصد آسیب‌های اجتماعی و همچنین درمان آن‌ها بدون برخورداری از علوم مختلف امکان‌پذیر نیست، و به همین دلیل فارابی بر حضور فضایل نظری و جریان داشتن دانش در مدینه و نظام حکمرانی تأکید می‌کند.
امامی جمعه در پایان با اشاره به نسبت اندیشه فارابی و ملاصدرا بیان کرد: در نظام حکمرانی فارابی، در زمینه چهار مؤلفه فضیلت، قدرت، قانون و عدالت، خلأها و نارسایی‌هایی وجود دارد که ملاصدرا با توجه به تحولات تاریخی و فاصله زمانی حدود 600 ساله با فارابی، تلاش کرده است به برخی از آن‌ها پاسخ دهد و این مباحث نیازمند بررسی مستقل و مفصل‌تری است.در بخش پرسش و پاسخ این نشست، حاضران به طرح پرسش‌هایی درباره نسبت عدالت اجتماعی و سعادت مدنی، جایگاه فضیلت در سطح فردی و نهادی و چگونگی تعریف سعادت به‌عنوان غایت حکمرانی در جوامع متکثر معاصر پرداختند وایشان در پاسخ به این پرسش‌ها، عدالت اجتماعی را پیش‌شرط دستیابی به سعادت مدنی دانست و تأکید کرد: سعادت مدنی و عدالت اجتماعی، غایت‌هایی هستند که جامعه باید در مسیر تحقق تدریجی آن‌ها حرکت کند و نظام قوانین و حکمرانی نیز متناسب با تحولات و شرایط زمانه در جهت دستیابی به این اهداف سامان یابد.
وی با بیان اینکه فضیلت در اندیشه فارابی صرفاً صفتی فردی نیست، افزود: فضیلت می‌تواند وصف جامعه، نهادها، سیاست‌گذاری‌ها و سیاست‌گذاران نیز باشد. از همین رو فارابی از مفاهیمی مانند مدینه فاضله و ملت ملکیه فاضله استفاده می‌کند.



از جی‌تی‌ای تا کالاف

عرضه نسخه تازه بازی «جی‌تی‌ای» پس از سیزده سال، بار دیگر نام یکی از جنجالی‌ترین مجموعه‌های صنعت بازی را به صدر اخبار آورده است؛ مجموعه‌ای که بخش مهمی از شهرت خود را مدیون نمایش زندگی خلافکاران، درگیری‌های خیابانی، سرقت و گریز از قانون است. استقبال گسترده از این بازی، تنها یک اتفاق تجاری در بازار سرگرمی نیست؛ فرصتی است برای بازخوانی آثار فرهنگی محصولاتی که خشونت و قانون‌شکنی را در قالب تجربه‌ای جذاب به مخاطب عرضه می‌کنند. به‌ویژه آنکه مخاطبان این آثار فقط بزرگسالان نیستند و نوجوانان نیز، با وجود محدودیت‌های سنی، به‌راحتی در معرض چنین محتواهایی قرار می‌گیرند.

بازی فقط سرگرمی نیست؛ تمرین دیدن جهان است
تفاوت بازی رایانه‌ای با بسیاری از قالب‌های دیگر سرگرمی در میزان مشارکت مخاطب است. تماشاگر فیلم ممکن است شاهد فرار یک مجرم از دست پلیس باشد، اما بازیکن در اثری مانند «جی‌تی‌ای» خود فرمان خودرو را به دست می‌گیرد، مسیر فرار را انتخاب می‌کند، با شخصیت‌های دیگر درگیر می‌شود و برای پیشبرد مأموریت تصمیم می‌گیرد. همین مشارکت، تجربه‌ای متفاوت می‌سازد؛ مخاطب فقط روایت را نمی‌بیند، بلکه برای مدتی درون آن زندگی می‌کند.البته از این تفاوت نمی‌توان نتیجه گرفت که هر بازیکنی رفتار شخصیت بازی را در زندگی واقعی تکرار خواهد کرد. چنین نتیجه‌گیری‌ای ساده‌انگارانه است و درباره رابطه بازی‌های خشن و رفتار خشونت‌آمیز نیز اجماع علمی بر سر یک رابطه علّی مستقیم و قطعی وجود ندارد. با این حال، تعاملی بودن بازی اهمیت پرسش فرهنگی را بیشتر می‌کند: بازیکن در جریان بازی چه رفتارهایی را تمرین می‌کند، چه انتخاب‌هایی پاداش می‌گیرند و چه تصویری از موفقیت و قدرت در ذهن او شکل می‌گیرد؟
اگر در جهان یک بازی، عبور از قانون راهی سریع برای رسیدن به پول، شهرت یا پیروزی باشد، این الگو دست‌کم در سطح روایت، قانون را از جایگاه یک ضرورت اجتماعی به مانعی برای هیجان تبدیل می‌کند. این مسئله به‌ویژه زمانی اهمیت می‌یابد که مخاطب هنوز در مرحله شکل‌دادن به معیارهای اخلاقی و فهم رابطه فرد با جامعه قرار دارد.

آزادی بدون مسئولیت؛ تصویری ناقص از انسان
یکی از جذابیت‌های اصلی مجموعه «جی‌تی‌ای» آزادی عمل گسترده در یک شهر مجازی است؛ بازیکن می‌تواند در محیطی وسیع حرکت کند، مأموریت بپذیرد یا از آن فاصله بگیرد و با موقعیت‌های گوناگون روبه‌رو شود. این آزادی در سطح طراحی بازی، بخشی از جذابیت محصول است؛ اما در سطح اندیشه، پرسش دیگری را پیش می‌کشد: آزادی تا کجا معنا دارد و از کجا به تعرض به حقوق دیگران تبدیل می‌شود؟ در زندگی اجتماعی، آزادی به معنای رهایی از هر قید و قاعده‌ای نیست. آزادی زمانی پایدار می‌ماند که با مسئولیت همراه باشد و امکان زیست امن دیگران را از بین نبرد. قانون نیز صرفاً مجموعه‌ای از دستورهای خشک یا ابزار محدودکردن فرد نیست؛ در شکل مطلوب خود، سازوکاری برای حفاظت از حقوق عمومی و مهار قدرت کسانی است که می‌خواهند اراده‌شان را بر دیگران تحمیل کنند. روایت‌هایی که قدرت را عمدتاً در توانایی غلبه بر دیگران، حمل سلاح یا دور زدن قانون خلاصه می‌کنند، تصویری ناقص از انسان ارائه می‌دهند. مسئله این نیست که داستان نباید شخصیت مجرم یا جهان تبهکاری را نشان دهد؛ ادبیات و سینما نیز بارها به سراغ چنین شخصیت‌هایی رفته‌اند. پرسش مهم‌تر آن است که اثر با پیامدهای انتخاب‌های شخصیت چه می‌کند و آیا رنج قربانیان و هزینه اجتماعی خشونت را نیز به اندازه هیجان تعقیب و گریز جدی می‌گیرد؟

سیاست و آشفتگی اجتماعی؛ مرز میان نقد و عادی‌سازی
جهان «جی‌تی‌ای» همواره از نشانه‌های زندگی سیاسی و اجتماعی آمریکا، رسانه‌ها، مناسبات اقتصادی و شکاف‌های فرهنگی برای ساختن فضایی طنزآمیز و گاه هجوآلود استفاده کرده است. چنین بازنمایی‌هایی می‌توانند فرصتی برای نقد قدرت، فساد یا تناقض‌های جامعه مدرن باشند. با این حال، نقد اجتماعی با تبدیل آشفتگی به سرگرمی بی‌هزینه یکسان نیست.
این بحث باید میان اعتراض مدنی، نافرمانی مدنی، آشوب و ارتکاب جرم تفاوت گذاشت. اعتراض مسالمت‌آمیز و مطالبه‌گری اجتماعی بخشی از حیات عمومی جوامع است؛ اما حمله به شهروندان، تخریب اموال عمومی، سرقت و خشونت سازمان‌یافته را نمی‌توان صرفاً با عنوان اعتراض توجیه کرد. هر روایتی که این مرزها را مخدوش کند، ممکن است فهم مخاطب از کنش اجتماعی و مسئولیت فردی را سطحی سازد.



ایران تجاوز اسرائیل به لبنان را متوقف کرد

شیخ نعیم قاسم شامگاه چهارشنبه بار دیگر از سیاستهای خصمانه دولت غربگرا و مزدور بیروت علیه مقاومت انتقاد کرد و گفت: رئیس‌جمهور (جوزف عون) در سخنرانی روز استقلال، تجاوز آمریکا و اسرائیل را با مقاومت ملی و شریف لبنان برابر دانست.
وی افزود: در این سخنرانی، اشغالگری که حمله و ویران می‌کند با مردمی که رنج می‌کشند، مقاومت می‌کنند و فداکاری می‌کنند، هم‌ردیف شد.شیخ نعیم قاسم گفت: وقتی واژه استقلال میان بخش‌های گسترده‌ای از مردم لبنان محل مناقشه باشد، یعنی این واژه در جای خود به کار نرفته است.

آمریکا برای امتیازدهی به اسرائیل به دولت لبنان فشار می‌آورد
شیخ نعیم قاسم خاطر نشان کرد: آمریکا به مقام‌های لبنان فشار می‌آورد تا به سود دشمن اسرائیلی امتیاز بدهند.وی تاکید کرد: مقاومت در لبنان مشروع، ملی و اخلاقی است و برای حفاظت از لبنان و جلوگیری از آسیب به آن ایستادگی می‌کند.دبیرکل حزب‌الله لبنان در ادامه گفت: پس از ناکامی دولت در دفاع از حاکمیت، فرار رو به جلو جایز نیست؛ حاکمیت، وحدت ملی و مقابله با دشمن، شعار نیستند و باید در عمل اجرا شوند.
وی در ادامه اینگونه دولت غربگرای حاکم بر بیروت را به چالش کشید که آیا امتیازدهی رایگان به ویژگی این دوره تبدیل شده است؟!
شیخ نعیم قاسم گفت: مقاومت طی دو سال بیش از 10 هزار شهید، از جمله رزمندگان، زنان، کودکان و غیرنظامیان، تقدیم کرده و صدها هزار خانه ویران شده و 30 هزار نفر نیز مجروح شده‌اند. دبیرکل حزب الله تصریح کرد که ایران بود که تجاوز اسرائیل علیه لبنان را در همین سطح کنونی متوقف کرد [و مانع از گسترش و پیشروی بیشتر آن شد].

رویکرد کشورهای غربی به تقابل جدید دولت مصر و اخوان‌المسلمین



دولت مصر در جدیدترین اقدامات خود علیه جماعت اخوان المسلمین، این سازمان را به طور نهایی در فهرسن گروههای تروریستی مصر قرار داد.این اقدام که در 8 نوامبر سال جاری توسط دادستانی مصر انجام شد جایگزین رویکرد سابق قاهره مبنی بر درج موقت این گروه در فهرست تروریستی و تمدید دوره ای این اقدام شده است. از منظر قانونی این اقدام قاهره نشان دهنده تبدیل شدن ممنوعیت اخوان المسلمین در این کشور از یک اقدام موقت و برگشت‌پذیر به یک اقدام با پشتوانه حقوقی و دائم است.

اخوان المسلمین ، اتحادیه اروپا ، کشور مصر ، دونالد ترامپ ،
در همین راستا، دادگاه جنایی قاهره نیز در 10 نوامبر سال جاری، 35 نهاد اسلامی مستقر در اتحادیه اروپا و 36 شخصیت حقوقی را به مدت 5 سال در فهرست افراد و گروههای تروریستی قرار داد. به نظر می‌رسد این اقدامات مصر بیش از جنبه‌های حقوقی و سیاست داخلی، در راستای همسویی با روندهای بین‌المللی جدید بر ضد جماعت اخوان‌المسلمین به ویژه پس از عملیات طوفان‌الاقصی و تلاش برای کسب بیشترین میزان بهره سیاسی و امنیتی از این روندها صورت می‌گیرد. رابطه اخوان‌المسلمین و دولت‌های اروپایی و آمریکا طی یک دهه اخیر شاهد روندی از افول بوده است. در سال 2014، دولت بریتانیا یک تحقیق دولتی را درباره اخوان‌المسلمین انجام داد که در 2015 نتایج اصلی آن منتشر شد. این تحقیق اظهار داشت اخوان‌المسلمین یک «سازمان مخفیانه» است و بخش‌هایی از آن در سطح جهانی «رابطه بسیار مبهمی با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز» دارند و پیوستن به آن می‌تواند به‌عنوان «نشانه احتمالی افراط‌گرایی» در نظر گرفته شود.

ایالات متحده نیز در دوره اول ریاست جمهوری دونالد ترامپ به دنبال ترویستی اعلام کردن اخوان المسلمین بود. در سال 2021، پارلمان اتریش قانون جدید مبارزه با تروریسم را تصویب کرد که بر اساس آن اخوان‌المسلمین را در فهرست سیاه «گروههای افراطی مرتبط با جرایم با انگیزه مذهبی» قرار داد. در ماه مه 2025، وزارت کشور فرانسه گزارش تحقیقاتی «اخوان‌المسلمین و اسلام سیاسی در فرانسه» را منتشر کرد. این گزارش مدعی بود اخوان‌المسلمین از طریق مدارس، مساجد، سازمان‌های غیردولتی و فعالیت‌های عمومی در حال اجرای استراتژی نفوذ بلندمدت است و هدف اصلی آن ساخت یک «اکوسیستم نفوذ» در فرانسه است.این گزارش در راستای سیاست «اداری-امنیتی» پاریس در قبال اخوان‌المسلمین است که از سال 2020 به بعد به تدریج تشدید شده است. این رویکرد از طریق انحلال هدفمند سازمان‌های مرتبط، محدود کردن فعالیت‌های عمومی اخوان به دنبال کاهش دامنه فعالیت آن است. در 22 مه 2026، مقامات فرانسوی «گردهمایی سالانه مسلمانان غرب» در نانت را ممنوع کردند و دلیل آن را سخنرانی سخنرانان مرتبط با «مسلمانان فرانسه» که «مغایر با اصول جمهوری» بود، اعلام کردند.سیاست آلمان که از سال 2014 به بعد به سمت رویکرد شمول‌گراتر برای مقابله با جریانات اسلامگرا در این کشور دچار چرخش شده است، نه تنها بر فعالیت‌های غیرقانونی تمرکز دارد، بلکه فضای فعالیت و تبلیغات اخوان‌المسلمین را محدود می‌کند. آلمان از الگوی اتریش و فرانسه در مقابله با «اسلام‌گرایی غیرخشونت‌آمیز» پیروی می‌کند و تلاش می‌کند ساختار اخوان‌المسلمین را شناسایی کرده و منابع مالی خارجی آن را قطع کند.

آزمون اثرگذاری فشار انصارالله بر ریاض



انتشار بودجه عربستان سعودی برای سال 2027 را می‌توان به عنوان یکی از معیارهای مهم برای سنجش میزان اثرگذاری فشار نظامی و اقتصادی بحرن تنگه هرمز و جنگ یمن و انصارالله بر این کشور ارزیابی کرد.ارقام منتشرشده نشان می‌دهد که ریاض، دست کم در محاسبات رسمی اقتصادی خود، هنوز با سطحی از فشار مواجه نشده است که آن را به تغییر اساسی در ساختار هزینه‌های نظامی یا بازنگری جدی در سیاست‌های اقتصادی وادار کند. افزایش محدود هزینه‌های نظامی و پیش بینی کسری بودجه حدود 51 میلیارد دلاری برای سال آینده، در شرایطی که عربستان طی سال 2026 با دو بحران مهم یعنی اختلال در تنگه هرمز و تقابل نظامی با یمن مواجه بوده، حاوی پیام‌های مهمی درباره میزان تاب آوری اقتصادی این کشور و محدودیت‌های فشارهای واردشده بر آن است. براساس ارقام اعلام شده از سوی وزارت دارایی عربستان، درآمدهای دولت در سال 2027 حدود 320 میلیارد دلار و هزینه‌های آن نزدیک به 371 میلیارد دلار پیش بینی شده است. بر این اساس، کسری بودجه به حدود 51 میلیارد دلار خواهد رسید. این رقم در مقایسه با کسری 44 میلیارد دلاری پیش بینی شده در بودجه اولیه سال 2026، افزایشی حدود 16 درصدی را نشان می‌دهد. همچنین هزینه‌های نظامی عربستان برای سال آینده حدود 70 میلیارد دلار برآورد شده است که نشان دهنده افزایش محدودی در مقایسه با سال قبل است. در مجموع، با وجود تحولات نظامی و اقتصادی سال جاری، ریاض در بودجه جدید افزایش چشمگیری در هزینه‌های نظامی پیش‌بینی نکرده است.البته برآورد اصلاح شده وزارت دارایی از عملکرد مالی سال 2026، کسری بودجه‌ای در حدود 65 میلیارد دلار را نشان می‌دهد؛ رقمی که از پیش بینی اولیه بیشتر است.
بنابراین باید میان پیش بینی اولیه و برآورد اصلاح شده عملکرد سال 2026 تفاوت قائل شد. افزایش کسری نسبت به پیش بینی اولیه نشان می‌دهد که فشارهای اقتصادی سال جاری بیش از انتظارات اولیه دولت سعودی بوده است، اما پیش بینی کاهش کسری در سال 2027 در مقایسه با برآورد اصلاح شده سال قبل، از نگاه ریاض به امکان مدیریت این فشارها حکایت دارد.
اهمیت این ارقام زمانی روشن تر می‌شود که آنها را در کنار تحولات میدانی و اقتصادی سال جاری قرار دهیم. پیش از این انتظار می‌رفت همزمانی اختلال در تنگه هرمز و افزایش فشار نظامی انصارالله بر عربستان، هزینه‌های اقتصادی سنگین‌تری را به ریاض تحمیل کند. از یک سو، محدود شدن مسیر عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز می‌توانست صادرات نفت عربستان را با چالش جدی مواجه کند و از سوی دیگر، ضربات نظامی انصارالله به زیرساخت‌های اقتصادی و راهبردی عربستان می‌توانست هزینه‌های امنیتی و اقتصادی تقابل با یمن را به شکل قابل توجهی افزایش دهد. با این حال، ارقام بودجه جدید نشان می‌دهد که عربستان توانسته است بخشی از پیامدهای این تحولات را مدیریت کند.
در موضوع تنگه هرمز، عربستان با استفاده از ظرفیت بنادر خود در دریای سرخ تلاش کرد مسیرهای جایگزینی برای انتقال کالا و تداوم فعالیت‌های تجاری ایجاد کند. اظهارات وزیر دارایی این کشور در جریان نشست بودجه 2027 نیز بر همین مسئله متمرکز بود. محمد الجدعان با اشاره به اقدامات دولت برای تغییر مسیرهای تجاری اعلام کرد که تردد کامیون‌ها در بندر جده از حدود دو هزار دستگاه در روز به نزدیک ده هزار دستگاه افزایش یافته است. علاوه بر این، افزایش قیمت نفت در دوره اختلال عرضه، بخشی از فشار ناشی از کاهش حجم صادرات را جبران کرده است. به این ترتیب، ریاض توانسته با اتکا به ظرفیت‌های جغرافیایی و اقتصادی جایگزین، بخشی از آثار اختلال در تنگه هرمز را خنثی کند.
در سوی دیگر، انتظار می‌رفت ضربات نظامی انصارالله به زیرساخت‌های عربستان فشار مستقیم‌تر و شکننده‌تری بر اقتصاد این کشور ایجاد کند. حملات به تاسیسات نفتی، زیرساخت‌های فرودگاهی و مراکز مالی و اقتصادی در ریاض، علاوه بر آثار عملیاتی، حامل پیام مهمی درباره آسیب پذیری ساختار اقتصادی و امنیتی عربستان بود. با این حال، ارقام بودجه سال 2027 نشان می‌دهد که این ضربات، دست کم در سطح شاخص‌های کلان مالی، هنوز به اندازه‌ای نبوده‌اند که ساختار هزینه‌های دولت سعودی را با تغییرات اساسی مواجه کنند. به بیان دیگر، میان ایجاد تصاویر پرهزینه از اصابت به زیرساخت‌های عربستان و تاثیرگذاری واقعی بر محاسبات اقتصادی و راهبردی این کشور فاصله‌ای وجود دارد که باید برای پر کردن آن به دنبال اهرم‌های موثرتر بود.
در این میان، حملات اخیر عربستان به زیرساخت‌های بندر الحدیده اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. ریاض با هدف قرار دادن این بندر در عمل در حال تلاش برای محدود کردن ظرفیت‌های اقتصادی و دریایی انصارالله در ساحل دریای سرخ است. این اقدامات را باید بخشی از سیاست عربستان برای انتقال هزینه‌های تقابل به جامعه یمن و تضعیف توان اقتصادی دولت صنعا ارزیابی کرد. ریاض همچنان امیدوار است با محدود کردن دسترسی یمن به مسیرهای تجاری و دریایی و افزایش فشار معیشتی، ظرفیت انصارالله برای ادامه تقابل را کاهش دهد. با این حال، مسئله صرفا فشار اقتصادی بر یمن نیست؛ بلکه موقعیت جغرافیایی این کشور و ظرفیت‌های دریایی آن می‌تواند به یکی از مهم‌ترین اهرم‌های راهبردی انصارالله در برابر عربستان تبدیل شود.

سازماندهی نظامیان سودانی توسط عربستان برای جنگ در یمن



در ماه‌های اخیر، گزارش‌های متعددی از اعزام نیروهای نظامی سودانی به عربستان سعودی و یمن منتشر شده است که نشان‌دهنده بازگشت خارطوم به معادلات نظامی منطقه‌ای در بحبوحه جنگ داخلی این کشور است.بر اساس این گزارش‌ها، ارتش سودان بیش از هفت هزار نظامی، از جمله حدود دو هزار نفر از نیروهای شبه‌نظامی «سپر سودان» به فرماندهی ابوعاقله کیکل، را در چند مرحله به عربستان و یمن اعزام کرده است. این نیروها که به عنوان شبه‌نظامیان متحد دولت رسمی سودان شناخته می‌شوند، بخشی از توافقی گسترده‌تر با ائتلاف تحت رهبری ریاض هستند که هدف از آن، اعزام مجموعاً ده هزار جنگجو به یمن طی هجده ماه عنوان شده است.

ابوعاقله کیکل، فرمانده نیروهای موسوم به سپر سودان
این اقدام، یادآور حضور گسترده نیروهای پشتیبانی سریع در سال‌های گذشته در یمن است. در آن دوران نیز تخمین زده می‌شد بین هشت تا چهارده هزار شبه‌نظامی سودانی در کنار ائتلاف عربستان می‌جنگیدند. این مسئله که در نهایت به تقویت این نیروها منجر شد و در شعله ور شدن جنگ داخلی سودان در سال ۲۰۲۳ تأثیرگذار بود. از این رو می‌توان گفت حضور نیروهای نظامی و شبه نظامی پتانسیل تبدیل شدن به بحران در درون جبهه دولت را دارد. همچنین این اقدام در بحبوحه نبردهای میان ارتش و پشتیبانی سریع بر سر منطقه کردفان و دخالت روزافزون قدرت‌های خارجی به نفع نیروهای پشتیبانی سریع سؤالات زیادی را به اذهان متبادر می‌کند.از این رو در این یادداشت تحلیلی تلاش خواهد شد ابعاد مختلف این حضور نظامی، دلالت‌های سیاسی آن برای بازیگران درگیر، و همچنین پیامدهای آن بر آینده سودان و معادلات امنیتی منطقه بررسی شود.

تاریخچه حضور نیروهای سودانی در جنگ یمن
حضور نظامی سودان در یمن و عربستان از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ فراز و نشیب‌های بسیاری را تجربه کرده است. سودان در مارس ۲۰۱۵، همزمان با آغاز عملیات ائتلاف به رهبری عربستان، مشارکت خود را در این ائتلاف اعلام کرد. در مراحل اولیه جنگ یمن، نیروهای سودانی – شامل ارتش و گروه‌های شبه‌نظامی – به‌طور گسترده در خاک یمن و عربستان مستقر شدند و به عنوان یکی از بزرگترین مشارکت‌کنندگان در این ائتلاف شناخته شدند.
در میان این نیروها، «نیروهای پشتیبانی سریع» (RSF) نقشی محوری در جنگ یمن ایفا کردند و یکی از بزرگ‌ترین برندگان سیاسی این جنگ بودند. این گروه تعداد زیادی از نیروهای خود را به یمن اعزام کرد که بیشتر در جنوب یمن و زیر نظر نیروهای تحت امر امارات به فعالیت پرداختند. نکته مهم در حضور نیروهای پشتیبانی سریع در آن دوران این بود که این گروه توانست شبکه‌ای از روابط فراملی را به صورت مستقل از دولت ایجاد کند. همچنین دستمزد و مزایای مالی این نیروها نه از طریق دولت سودان، بلکه مستقیماً از سوی حامیان خارجی (عمدتاً عربستان و امارات) تأمین می‌شد.این روابط فرا دولتی و جریان مالی مستقیم، در تقویت استقلال مالی و نظامی پشتیبانی سریع از دولت مرکزی سودان، تبدیل آن به یک امپراتوری نظامی – اقتصادی و در شعله ور شدن جنگ داخلی این کشور در سال ۲۰۲۳ تأثیر بسزایی داشت.با گذشت زمان و به‌ویژه پس از تحولات سیاسی سودان در سال ۲۰۱۹، شمار نیروهای سودانی در یمن به شدت کاهش یافت و دولت انتقالی سودان از بازگرداندن آنها خبر داد. با این حال، این حضور هرگز به‌طور کامل قطع نشد و به شکلی محدود اما مستمر – گاه در قالب نیروهای متحد ارتش و گاه در چارچوب توافقات جدید با ریاض – ادامه یافت. این امر تا حدی زیادی ناشی از منافع مالی و سیاسی آن برای ارتش بود. این در حالی است که در میان نیروهای پشتیبانی سریع شاهد کاهش بیشتر این نیروها در یمن در مقایسه با ارتش بود. یکی از پیامدهای انسانی این حضور طولانی، مسئله اسرای سودانی در یمن است. در طول سال‌ها درگیری، نیروهای انصارالله (دولت قانونی یمن در صنعا) شمار قابل‌توجهی از نظامیان سودانی را به اسارت گرفتند. موضوع آزادی این اسرا بارها در مذاکرات تبادل اسرا مطرح شده و به یکی از محورهای تنش میان طرفها تبدیل شده است.

دلایل افزایش مجدد حضور نظامیان سودانی به جنگ یمن
با وجود درگیری دولت سودان با نیروهای پشتیبانی سریع در منطقه کردفان و احتمال تجزیه سودان به دو بخش شرقی و غربی، ارتش این کشور تصمیم به افزایش ارسال نیروها به عربستان سعودی و یمن گرفته است. این تصمیم تا حد زیادی ریشه در مسائلی همچون بحران منابع در دولت سودان، مشروعیت بین‌المللی شکننده خارطوم، فشار غرب و نیاز عربستان سعودی دارد.
بحران منابع در دولت سودان: بیش از چهار سال جنگ داخلی و خرابی‌های گسترده در زیرساخت‌های حیاتی صنعتی و کشاورزی، هزینه‌های سرسام آور جنگ در سایه نبود حمایت بین‌المللی مؤثر و چندپارگی کشور سبب شده است که دولت قانونی سودان از مضیقه مالی گسترده‌ای رنج ببرد. نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی به ۳۳۴٫۴ درصد رسیده که بالاترین رقم در جهان است. ذخایر ارزی به شدت تحت فشار است و کفایت واردات به کمتر از یک ماه رسیده است. جنگ همچنین بیش از ۷۰ درصد از درآمدهای رسمی طلا را از بین برده و کسری حساب جاری را به حدود ۱۰٫۲ درصد تولید ناخالص رسانده است. در چنین وضعیتی جنگ یمن منبعی ارزشمند از ارز خارجی و مشوقی مهم برای نظامیان و شبه نظامیان طرفدار حکومت خواهد بود.
مشروعیت بین المللی شکننده و فشار غرب: با سقوط دولت البشیر در سال ۲۰۱۹، ایالات متحده آمریکا همواره ارتش و ساختار امنیتی و سیاسی سودان را عنصری نامطلوب در هرگونه گذار طبقه بندی کرده است و فشارهای متعددی را نسبت به ارتش برای «پاکسازی» حاکمیت از این عناصر وارد کرده است. این فشارها پس از شروع جنگ داخلی سودان شکل مشروعیت زدایی از کل حاکمیت سودان را گرفته است به گونه ای که غرب به طور کلی دولت سودان را طرفی هم سنگ با دیگر گروهها در یک جنگ داخلی و نه دولتی مشروع در مقابل شورشیان تعریف کرده است.

صنایع برق می‌خواهند اما مشتری بورس انرژی نیستند!



تأمین پایدار انرژی یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های فعالیت صنایع کشور است؛ موضوعی که با آسیب‌دیدن بخشی از زیرساخت‌های تولید انرژی کشور و تشدید محدودیت منابع انرژی، اهمیت بیشتری پیدا کرده است.
در جریان جنگ تحمیلی اخیر، چهار پالایشگاه گازی کشور آسیب دیدند و حدود۲۵ درصد ظرفیت تولید گاز از مدار خارج شد. مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران نیز اعلام کرد که از مجموع حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب ظرفیت تولید گاز ازدست‌رفته، نزدیک به ۱۰۰ میلیون مترمکعب به چرخه تولید بازگشته است.

کاهش دسترسی به گاز، به‌ویژه در فصل سرد سال که مصرف بخش خانگی افزایش پیدا می‌کند، می‌تواند تأمین سوخت نیروگاه‌های حرارتی را نیز با دشواری مواجه کند. در چنین شرایطی، مدیریت مصرف و استفاده از ظرفیت‌های مختلف برای تأمین برق اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

با این حال، در کنار مشکلات تأمین سوخت نیروگاه‌ها، مسئله دیگری نیز در بازار برق وجود دارد؛ صنایع بزرگ کشور که همواره از محدودیت برق و آثار آن بر تولید گلایه دارند، هنوز استقبال قابل توجهی از برخی ظرفیت‌های موجود برای خرید برق نشان نداده‌اند.

بورس انرژی؛ راهکاری برای تأمین برق صنایع

در سال‌های اخیر توسعه معاملات برق در بورس انرژی را با هدف افزایش رقابت، شفافیت معاملات و ایجاد تنوع در روش‌های تأمین برق صنایع دنبال کرده است.در همین راستا، بند «ب» ماده ۴۳ قانون برنامه هفتم پیشرفت و آیین‌نامه اجرایی آن، سازوکار جدیدی برای تأمین برق مشترکان پیش‌بینی کرده است.

بر اساس آیین‌نامه اجرایی مصوب ۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ هیئت وزیران، مشترکان دارای قدرت قراردادی ۱۵۰ کیلووات و بیشتر موظف شده‌اند برق مورد نیاز خود را از طریق بورس انرژی یا شرکت‌های خرده‌فروش دارای مجوز وزارت نیرو تأمین کنند. همچنین یک سال پس از ابلاغ آیین‌نامه، مشترکان دارای قدرت قراردادی ۳۰ کیلووات و بیشتر نیز مشمول این الزام خواهند شد.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های این سازوکار، پیش‌بینی دو تابلوی برق آزاد و سبز است. برق خریداری‌شده از این دو تابلو مشمول محدودیت‌های ناشی از ناترازی در دوره گرم سال و محدودیت سوخت در شبکه نمی‌شود.به این ترتیب، صنایع می‌توانند بخشی از برق مورد نیاز خود را از طریق این بازار تأمین کنند و در دوره‌هایی که شبکه با محدودیت مواجه می‌شود، از مزایای خرید برق از این تابلوها بهره‌مند شوند. تابلوی سبز نیز امکان خرید برق تولیدشده از منابع تجدیدپذیر مانند نیروگاه‌های خورشیدی و بادی را فراهم می‌کند.

۱۶۷۷ مگاوات برق در بورس انرژی مشتری نداشت

با وجود این ظرفیت‌ها، آمار معاملات بورس انرژی نشان می‌دهد عرضه برق در این بازار لزوماً به معنای وجود تقاضا برای خرید آن نیست.محمد الهداد، مدیرعامل شرکت توانیر، ۳۰ آبان امسال در جمع خبرنگاران از فروش‌نرفتن بخشی از برق عرضه‌شده در بورس انرژی خبر داد و اعلام کرد که در هفته گذشته بیش از ۶۰ درصد برق عرضه‌شده در تابلوهای آزاد و سبز مشتری نداشته است.

بر اساس اظهارات وی، از این میزان، یک‌هزار و ۳۷۰ مگاوات مربوط به برق تولیدات پراکنده در تابلوی آزاد و ۳۰۷ مگاوات مربوط به برق نیروگاه‌های خورشیدی در تابلوی سبز بوده است. به این ترتیب، در مجموع یک‌هزار و ۶۷۷ مگاوات برق عرضه‌شده در این دو تابلو بدون مشتری باقی مانده است.

این آمار در شرایطی اعلام می‌شود که صنایع انرژی‌بر کشور همواره محدودیت برق را یکی از مشکلات اصلی فعالیت خود عنوان می‌کنند و نسبت به تأثیر آن بر میزان تولید و هزینه تمام‌شده محصولات اعتراض دارند.

به بیان دیگر، در حالی که بخشی از صنایع برای تأمین برق مورد نیاز خود با محدودیت مواجه هستند، بخشی از برق عرضه‌شده در بازار نیز خریدار ندارد. این مسئله ضرورت بررسی دلایل عدم استقبال صنایع از ظرفیت‌های معاملاتی بورس انرژی را بیشتر می‌کند.

چرا صنایع حاضر به خرید برق از بورس انرژی نیستند؟

البته خرید برق از بورس انرژی برای صنایع تابع محاسبات اقتصادی است و قیمت برق عرضه‌شده، شرایط قرارداد، نحوه تحویل و مقایسه آن با سایر روش‌های تأمین انرژی در تصمیم بنگاه‌ها تأثیرگذار خواهد بود.با این حال، وقتی صنایع انرژی‌بر ناترازی برق را مانعی جدی برای تولید معرفی می‌کنند، انتظار می‌رود استفاده از ظرفیت‌های موجود برای تأمین برق نیز در اولویت برنامه‌های آنها قرار بگیرد.
با آسیب‌دیدن بخشی از ظرفیت تولید گاز کشور و محدودیت‌هایی که ممکن است در تأمین سوخت نیروگاه‌ها ایجاد شود، تأمین برق صنایع تنها با اتکا به ظرفیت تولید و شبکه سراسری امکان‌پذیر نخواهد بود و استفاده از روش‌های متنوع تأمین انرژی نیز اهمیت پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، توسعه بورس انرژی و فراهم‌کردن امکان خرید برق از منابع مختلف، از جمله نیروگاه‌های تجدیدپذیر، می‌تواند بخشی از راهکارهای کاهش آسیب‌پذیری صنایع در برابر ناترازی باشد؛ اما تحقق این هدف به استقبال مصرف‌کنندگان بزرگ برق نیز وابسته است.اکنون این پرسش مطرح است که چرا صنایعی که همواره از محدودیت برق و خسارت‌های ناشی از آن گلایه دارند، از ظرفیت خرید برق در بورس انرژی استقبال نمی‌کنند؛ آن هم در شرایطی که به گفته مدیرعامل توانیر، تنها در یک هفته ۱۶۷۷ مگاوات برق عرضه‌شده در تابلوهای آزاد و سبز بدون مشتری مانده است؟



ریشه ناترازی گاز در مصرف است نه تولید

به نقل از شرکت ملی گاز ایران، سعید توکلی مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران در بیست‌ویکمین نشست کمیته سوخت که با حضور جمعی از مدیران ارشد ستادی و مدیران عامل شرکت‌های تابعه به‌صورت برخط برگزار شد، با اشاره به برنامه استفاده از ظرفیت موکب‌ها و محل‌های پیش‌بینی‌شده در میدان‌ها، گفت: مقرر شده است شرکت‌های گاز استانی در کنار این محل‌ها غرفه یا موکب برپا تا درباره صرفه‌جویی مصرف گاز با مردم گفت‌وگو کنند و به پرسش‌های آنان پاسخ دهند.وی خطاب به مدیران شرکت‌های گاز استانی، گفت: از فرصت گفت‌وگو با مراجعه‌کنندگان به غرفه‌ها استفاده کنید و در کنار توضیح راهکارهای صرفه‌جویی، به پرسش‌های مردم پاسخ دهید؛ زیرا نمی‌توان از مردم انتظار داشت در مدیریت مصرف گاز همراهی کنند، بی‌آنکه به پرسش‌هایشان پاسخ روشنی داده شود.مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران با اشاره به برنامه‌ریزی برای استفاده از ظرفیت صداوسیما و تبلیغات محیطی افزود: پیام‌هایی که از این مسیرها منتشر می‌شوند، باید با پویش مدیریت مصرف گاز هماهنگ باشند و به‌موقع منتشر شوند. توکلی با درخواست از مدیران استانی به‌منظور اینکه با آغاز فصل سرد، صرفه‌جویی در مصرف گاز را از ساختمان‌های زیرمجموعه خود شروع کنند، گفت: در نقش «سفیر انرژی»، تجربه اجرای اقدام‌هایی مانند درزگیری پنجره‌ها، بستن دریچه‌های کولر و تنظیم دمای وسایل گرمایشی را با مردم به اشتراک بگذارید؛ انتشار تصاویر این اقدام‌ها در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و شبکه‌های اجتماعی و همراهی چهره‌های مورداعتماد مردم می‌تواند به گسترش پیام پویش صرفه‌جویی کمک کند.

وضع تأمین گاز و آمادگی شبکه برای موج سرما

وی با اشاره به خروج بخشی از تولید گاز از چرخه تولید در پی حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات پارس‌جنوبی، این رخداد را بزرگ‌ترین حادثه گازی جهان دانست و افزود: با تلاش نیروهای فنی و متخصص در سراسر زنجیره تأمین، از پالایشگاه‌ها تا دیگر بخش‌های صنعت گاز، شبکه گازرسانی پایدار ماند.مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران با تأکید بر اینکه امسال یکی از سخت‌ترین زمستان‌های این شرکت است، گفت: ناترازی گاز در کوتاه‌مدت ایجاد نشده، بلکه از سال‌ها رویکرد اقتضایی در مدیریت مصرف و تولید ناشی شده است. با توجه به شدت بالای مصرف انرژی، افزایش تولید به‌تنهایی ناترازی را برطرف نمی‌کند و برای برقراری تعادل میان عرضه و تقاضا باید مصرف را مدیریت کرد.توکلی ادامه داد: بر اساس گزارش‌های هواشناسی، پیش‌بینی می‌شود دمای هوا از چهارم آذر کاهش یابد. مدیران نباید شرایط را عادی تلقی کنند و باید ضمن اجرای دستورهای دیسپچینگ، پیش از آغاز موج سرما همه محدودیت‌های لازم را اعمال و اقدام‌های ضروری را انجام دهند.وی افزود: حفظ پایداری شبکه گازرسانی به هماهنگی همه بخش‌ها وابسته است. مدیران باید از عملکرد تجهیزات اطمینان یابند و آن‌ها را به‌درستی به کار گیرند. همچنین باید برنامه‌های تعیین‌شده در زنجیره تأمین را به‌طور کامل اجرا کنند و برای پیگیری اجرای آن‌ها سازوکاری مشخص در نظر گیرند.مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران در بخش دیگری از سخنانش گفت: گاز مشترکان مشمول قطع گاز طبق مصوبه اصلاح الگوی مصرف باید قطع شود. برخی استان‌ها امکان اجرای مصوبه را با نیروها و امکانات خود دارند، اما در شماری از استان‌ها، به دلیل گستردگی کار می‌توان در چهارچوب تفاهم‌نامه و هماهنگی‌های انجام‌شده، از ظرفیت بسیج استفاده کرد.توکلی با بیان اینکه گزارش‌های مربوط به بدمصرفی، سرقت گاز و انشعاب غیرمجاز به‌صورت شبانه‌روزی از طریق شماره 194 دریافت می‌شود، افزود: قطع گاز یا محدودکردن مصرف به‌معنای پایان کار نیست. برای نمونه، پس از محدودکردن مصرف گاز یک گلخانه، حتی با جمع‌آوری رگولاتور هم احتمال برداشت غیرمجاز گاز وجود دارد. به همین دلیل، باید دوباره از محل بازدید شود تا اطمینان حاصل شود که انشعاب غیرمجاز دوباره برقرار نشده است.وی ادامه داد: شرکت‌های گاز استانی باید گزارش‌های مربوط به سرقت گاز و انشعاب‌های غیرمجاز را در شوراهای تأمین مطرح کنند. از آنجا که این تخلفات می‌توانند عملکرد شبکه گاز را مختل کنند، لازم است مصرف گاز واحدهای پرمصرف با دقت بیشتری بررسی شود؛ به‌ویژه در حاشیه شهرها که باغ‌ویلاها نیز در شمار این واحدها قرار می‌گیرند.

به چرخه باطل پرداخت مطالبات پایان دهید



جمعی از انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی فعال در حوزه تأمین و واردات کالاهای اساسی، در نامه‌ای خطاب به مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، نسبت به تداوم بلاتکلیفی مطالبات ارزی واردکنندگان و بازگشت پرونده تسویه این مطالبات به چرخه بررسی‌های مجدد انتقاد کردند.امضاکنندگان این نامه با اشاره به فعالیت بیش از هزار شرکت و صدها هزار نیروی انسانی در زنجیره تأمین کالاهای اساسی، اعلام کردند که با وجود بیش از ۲۰ ماه پیگیری و انجام بررسی‌های کارشناسی و اخذ تأییدیه دستگاه‌های مسئول، هنوز مطالبات ارزی شرکت‌ها تعیین تکلیف نشده است.
واردکنندگان در این نامه با تاکید بر اینکه تاوان اختلاف بین دستگاه‌های دولتی را نباید بخش خصوصی بدهد، موکول شدن آغاز پرداخت به بررسی های مجدد را موجب اختلال در روند تامین امنیت غذایی اعلام کردند.این تشکل‌ها در سه درخواست مشخص، خواستار پرداخت حداقل ۸۰ درصد مطالبات به‌صورت علی‌الحساب، توقف بازپرداخت اصل و سود تسهیلات ارزی و جرائم بانکی تا زمان تسویه مطالبات و تعیین تکلیف باقی‌مانده بدهی دولت از طریق انتشار اوراق مالی اسلامی ارزی شدند.

متن این مکاتبه به شرح زیر است؛
همان‌طور که مستحضرید، یکی از اساسی‌ترین الزامات حکمرانی مطلوب، پایبندی تمامی ارکان دولت به مصوبات و تصمیمات رسمی هیئت وزیران است. متأسفانه در موضوع مطالبات ارزی معوق واردکنندگان کالاهای اساسی (شامل بیش از ۱۰۰۰ شرکت دارای صدها هزار نیروی انسانی)، علی‌رغم بیش از ۲۰ ماه پیگیری، انجام بررسی‌های کارشناسی، احصای مطالبات و تأیید دستگاه‌های مسئول، همچنان شاهد رفتارهای متناقض، تعویق در اجرای تصمیمات و بازگشت مجدد موضوع به فرآیندهای تکراری و فرسایشی هستیم؛ چرخه باطلی که علاوه بر تحمیل خسارات سنگین به بخش خصوصی، اعتماد فعالان اقتصادی به تعهدات دولت را به‌شدت ضعیف کرده است.در حالی که هیئت وزیران طی تبصره ۲ ماده ۴ مصوبه تضمین امنیت غذایی (شماره ۱۷۲۰۷۶/ت۶۵۲۳۶هـ مورخ ۱۰/۱۰/۱۴۰۴) سازوکار احصا و تسویه مطالبات را مشخص نموده و پس از ماه‌ها پیگیری، بررسی‌های لازم انجام و تأییدیه‌های رسمی از جمله نامه‌های شماره ۲۳۲۷۲۲/۸۰ مورخ ۲۶/۱۲/۱۴۰۴ (راهکار تسویه مطالبات) و شماره ۱۳۴۹۱/۸۰ مورخ ۰۸/۰۲/۱۴۰۵ (فهرست مطالبات به تفکیک شرکت، کوتاژ و ...) وزارت امور اقتصادی و دارایی و نامه شماره ۲۴۲۰۹/م ۱۶۲۷ مورخ ۲۹/۰۶/۱۴۰۵ (تأییدیه معاونت حقوقی رئیس‌جمهور) و نهایتاً نامه شماره ۲۷۱۸۹ مورخ ۱۵/۰۷/۱۴۰۵ معاون اول جنابعالی با عنوان دبیر ستاد هماهنگی اقتصادی سران قوا صادر شده و موضوع برای اخذ مصوبه سران قوا و استجازه از مقام معظم رهبری به دبیرخانه محترم سران قوا ارجاع گردیده است.از سوی دیگر، سازمان برنامه و بودجه طی نامه شماره ۹۹۲۸۱۶/۱۸/م مورخ ۲۴/۰۸/۱۴۰۵ صراحتاً اعلام نموده مطالبات ارزی معوق مذکور ماهیت فرابودجه‌ای داشته و مشمول حسابرسی موضوع بند «ب» ماده ۲۴ قانون برنامه هفتم توسعه نمی‌باشد. با این وجود، چگونه در جلسه مورخ ۱۷/۰۸/۱۴۰۵ هیئت وزیران (ابلاغیه شماره ۱۰۰۷۱۰/۶۶۲۵۵ مورخ ۲۳/۰۸/۱۴۰۵ دبیر هیئت دولت)، مجدداً تمامی بررسی‌ها و تأییدیه‌های قبلی کنار گذاشته شده و پرونده‌ای که ماه‌ها در مسیر کارشناسی و تصمیم‌گیری بوده، به چرخه بررسی‌های مجدد بازگشته است؟آیا بخش خصوصی باید تاوان ناهماهنگی و اختلاف‌نظر دستگاه‌های اجرایی را بپردازد؟ حتی اگر برخلاف مستندات و نظر مراجع حقوقی، مطالبات مذکور مشمول حسابرسی فرض شوند، هیچ‌یک از شرکت‌ها با انجام حسابرسی و بررسی‌های قانونی و مالی مخالفتی ندارند؛ مشروط بر آنکه حداقل ۸۰ درصد مطالبات هر شرکت بدون انتظار برای اتمام حسابرسی پرداخت و صرفاً ۲۰ درصد باقیمانده پس از تکمیل فرآیند حسابرسی تعیین تکلیف شود. پس از گذشت ۲۲ ماه از آغاز پیگیری مطالبات، موکول کردن کل پرداخت‌ها به حسابرسی‌های جدید و نامعلوم، عملاً غیرقابل تحمل است. اگر قرار باشد پس از این مدت تازه فرآیند حسابرسی آغاز شود، دیگر رمق و توان اقتصادی بسیاری از شرکت‌ها برای ادامه فعالیت باقی نخواهد ماند.بخش خصوصی به‌عنوان سرباز اقتصادی کشور، در سخت‌ترین شرایط و حتی در دوران جنگ، مسئولیت تأمین کالاهای اساسی را بر عهده داشته است؛ اما امروز زیر فشار همزمان بدهی‌های خارجی، مطالبات وصول‌نشده و تعهدات بانکی، با شرایطی بحرانی مواجه است. نمی‌توان از بخش خصوصی انتظار ایفای کامل تعهدات را داشت، اما در مقابل، تعهدات دولت را ماه‌ها و سال‌ها به تعویق انداخت و با تصمیمات متناقض، اعتماد متقابل را از بین برد.

اجرای دستور پرداخت ۵۰ درصد مطالبات:
مطابق دستور قبلی جنابعالی، حداقل ۵۰ درصد مطالبات ارزی معوق بخش خصوصی به‌صورت علی‌الحساب و از طریق پرداخت نقدی، گواهی سپرده نفتی و سایر روش‌های قابل اجرا، در اسرع وقت پرداخت شود. این درخواست مطالبه جدیدی نیست، بلکه انتظار اجرای دستور صادرشده از سوی جنابعالی است که تاکنون عملیاتی نشده است.

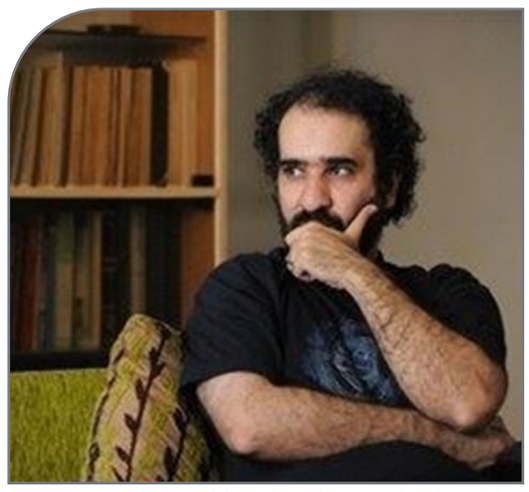

ناشر ترکیه‌ای «من او»: امیرخانی تکرارنشدنی بود

برخی آثار رضا امیرخانی در سال های اخیر به زبان های مختلف ترجمه و خارج از کشور توزیع شده‌اند. «من او» ازجمله آثار امیرخانی است که در خارج از کشور نیز موجی از شگفتی و تحسین را همراه داشته است. این اثر در ابتدای دهه 90 به زبان روسی ترجمه شد و سال 1398 نیز ترجمه ترکی آن توسط انتشارات نمهنا در ترکیه منتشر شد.
انتشارات مهنا رایت این‌کتاب را از انتشارات افق خریداری و با حمایت 1500 یورویی گرنت ایران آن را منتشر کرد که با استقبال خوبی در جامعه ترک زبان مواجه شد.

گل یلدیز مدیر انتشارات مهنا در استانبول همزمان با درگذشت رضا امیرخانی در پیامی که در اختیار خبرگزاری تسنیم، قرار گرفت، نوشت: «با غمی بزرگ، درگذشت رضا امیرخانی، یکی از نویسنده‌های تکرارنشدنی و درجه‌یک ادبیات ایران را تسلیت می‌گویم.امیرخانی فقط داستان ننوشت؛ کلمه‌هایی را کنار هم چید که مستقیم در عمق وجود انسان می‌نشیند و هیچ‌وقت فراموش نمی شود.امروز این جمله ماندگار از کتاب «من او» بیشتر از همیشه در ذهن‌ها می‌چرخد، گویی حرف دل ما برای خداحافظی با این نویسنده بزرگ است: «دلِ آدم مثلِ ناره، درست؛ باید چلاندش، درست؛ حکماً شیره‌اش مطبوعه، درست... اما دلِ آدم را که می‌ترکانند، دیگر شیره نیست، خونابه است... باز هم مطبوعه؟»روحش شاد و یادش همیشه زنده».
انتشارات مهنا نسخه ترکی «من او» را با ترجمه احمت ادیگزل در سال 98 منتشر کرده است. «من او» پیش از این به زبان روسی نیز ترجمه شده است. بنیاد مطالعات اسلامی در روسیه با همکاری انتشارات وچه مسکو این کتاب را منتشر کرده است. هم چنین ترجمه عربی این کتاب نیز توسط انتشارات دارالمعارف الحکمیه منتشر شده است. ترجمه عربی «داستان سیستان» توسط انتشارات «دارالحضاره» و ترجمه عربی «بی‌وتن» هم توسط انتشارات «دارالهویه» انجام شده است.رضا امیرخانی «من او» را سال 1378 به چاپ رساند و موجی از تحسین و شگفتی در مجامع ادبی به راه انداخت. «من او» ساختاری نو و بدیع در فضای راکد آن سالهای رمان‌نویسی در ادبیات ایران داشت و خیلی زود موج تقلید از ساختار خاص این رمان در فضای ادبیات ایرانی به راه افتاد.

جنگ با ایران، قیمت اسباب‌بازی در آمریکا را نجومی کرد



اختلال در زمینه تأمین نفت و پتروشیمی و افزایش هزینه انرژی در پی بسته شدن تنگه هرمز و مدیریت قوی ایران بر این آبراه استراتژیک، عرضه جهانی مواد شیمیایی را محدود و قیمت پلاستیک و پلیمر را که در ساخت محصولاتی از قطعات خودرو گرفته تا اسباب‌بازی به کار می‌رود، افزایش داده است؛ به طوری که برآورد می‌شود قیمت‌ها به بالاترین حد خود در حدود چهار سال گذشته برسد. براساس گزارش‌ها روزنامه ایندیپندنت، خریداران تعطیلات در ایالات متحده امسال به لطف تعرفه‌های دونالد ترامپ و جنگ ایران، باید پول بیشتری برای اسباب‌بازی‌ها بپردازند.

بر اساس داده‌های جدید فدرال، قیمت بازی‌ها، لگوها، اکشن‌فیگورها، عروسک‌ها، تجهیزات زمین بازی و سایر اسباب‌بازی‌ها از ماه اوت تا سپتامبر 2026، معادل 4.2 درصد افزایش یافته است. گزارش تورم اداره آمار کار آمریکا نیز نشان می‌دهد که این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل 6.6 درصد افزایش داشته است.در بخشی از این گزارش آمده است: کارشناسان می‌گویند این افزایش قیمت ناشی از دو عامل اصلی است.
نخست اینکه شرکت‌ها هزینه‌های ناشی از تعرفه‌های ترامپ بر شرکای تجاری سازنده اسباب‌بازی (مانند چین) را به مصرف‌کنندگان منتقل می‌کنند. دوم اینکه هزینه‌های حمل‌ونقل کالاهای خرده‌فروشی افزایش یافته است؛ زیرا اختلالات در کشتیرانی که ناشی از جنگ ایران (آغاز شده توسط ترامپ در هشت ماه پیش) است، قیمت گازوئیل را به بالاترین حد خود رسانده است.
این گزارش در انتهای تاکید می‌کند: دولت ترامپ هیچ جدول زمانی برای پایان یافتن تعرفه‌ها یا جنگ ایران اعلام نکرده است. این عوامل نه تنها اسباب‌بازی‌ها، بلکه اقلام ضروری روزمره مانند خواروبار و بنزین را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند.
ادامه جنگ و تعرفه‌ها می‌تواند پس از گزارش تورم سپتامبر، اخبار بد بیشتری را برای مصرف‌کنندگان به همراه داشته باشد.

رویترز نیز در گزارشی به افزایش بی‌سابقه قیمت اسباب‌بازی در آستانه سال نو میلادی پرداخته و نوشته است: مصرف‌کنندگان آمریکایی که با تنگنای مالی مواجه هستند، در فصل خرید تعطیلات امسال با فشار دوگانه تعرفه‌ها و هزینه‌های بالای انرژی بر بودجه‌های خرید خود روبرو شده‌اند.

صنعت اسباب‌بازی که اکثریت محصولات فروخته‌شده در ایالات متحده را در چین تولید می‌کند، همچنان در برابر سیاست‌های تعرفه‌ای متغیر دولت ترامپ آسیب‌پذیر است. در عین حال، اسباب‌بازی‌ها عمدتاً از پلاستیک‌های مبتنی بر سوخت‌های فسیلی ساخته می‌شوند؛ به این معنا که افزایش قیمت نفت ناشی از جنگ خاورمیانه احتمالاً در شوک قیمتی که مصرف‌کنندگان روی قفسه‌های فروشگاه‌ها با آن مواجه خواهند شد، نقش دارد.
دیوید سیلورمن، مدیر ارشد مؤسسه رتبه‌بندی فیچ که بر شرکت‌های خرده‌فروشی و مصرف‌کننده تمرکز دارد، گفت: به نظر می‌رسد این دو مسئله به‌طور هم‌زمان در قیمت‌گذاری‌ها نمود پیدا کرده‌اند. تأثیر درگیری با ایران بر هزینه‌های مواد اولیه و هزینه‌های حمل‌ونقل قطعاً طی چند فصل آینده نیز ادامه خواهد داشت.

در همین راستا، شرکت‌های بزرگی مانند متل (Mattel) و هاسبرو (Hasbro) با وجود رشد فروش کلی محصولاتشان (به لطف اقلام محبوبی مانند باربی، هات‌ویلز، یونو و مونوپولی)، اعتراف کرده‌اند که تحمیل هزینه‌ها و تعرفه‌ها، حاشیه سود آنها را تحت فشار گذاشته و این هزینه‌ها در نهایت به مصرف‌کننده نهایی منتقل شده است.
افزایش قیمت‌ها و همچنین شرایط ناپایدار تحمیل شده بر بازار اسباب‌بازی در حالی تداوم دارد که این بازار در کشورهای اروپایی و غربی هر ساله همزمان با آغاز سال نو، از جمله مقاصد اصلی خریداران برای هدیه کریسمس است.



کانون سازندگان ساز هنوز بلاتکلیف است

یک سال از تعلیق کانون سازندگان ساز خانه موسیقی ایران می‌گذرد؛ یک سالی که به گفته شاهرخ حاتمی، عضو کانون سازندگان ساز و بازرس این کانون، همچنان با پرسش‌هایی درباره مبنای حقوقی تعلیق، نحوه برگزاری انتخابات و سرنوشت حقوق صنفی اعضا همراه است. اختلافی که در ابتدا با اعتراض به روند انتخابات آغاز شد، اکنون به مسئله‌ای گسترده‌تر درباره حدود اختیارات مسئولان خانه موسیقی و وضعیت فعالیت یک نهاد تخصصی تبدیل شده است.کانون سازندگان ساز یکی از کانون‌های تخصصی خانه موسیقی ایران است که سازندگان انواع آلات موسیقی ایرانی و غربی را در بر می‌گیرد؛ از سازهای سنتی مانند تار، سه‌تار، سنتور و کمانچه تا سازهای کلاسیک و غربی از جمله ویولن، گیتار و پیانو. فعالیت چنین نهادی می‌تواند در پیگیری مطالبات حرفه‌ای، مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های صنفی و برخورداری از خدمات تخصصی نقش داشته باشد؛ موضوعی که تعلیق آن را از یک اختلاف داخلی فراتر می‌برد.شاهرخ حاتمی که یکی از سازسازان موسیقی ایران است، در تشریح ابعاد این اختلاف، به نامه اعتراضی جمعی از اعضای کانون خطاب به معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اشاره می‌کند؛ نامه‌ای که در آن هشت محور اعتراضی درباره انتخابات و تصمیمات پس از آن مطرح شده است.

انتخاباتی که به تعلیق رسید

بر اساس روایت مطرح‌شده از سوی اعضای معترض، انتخابات کانون سازندگان ساز در آبان 1404 برگزار شد، اما روند برگزاری آن و تصمیمات بعدی با اعتراض‌هایی همراه بود.در نامه اعتراضی، موضوعاتی مانند نحوه احراز صلاحیت نامزدها، شفافیت آمار انتخابات، حضور مسئولان خانه موسیقی در مجمع، شرایط رأی‌گیری و حدود اختیارات هیئت‌مدیره و بازرسان مورد پرسش قرار گرفته‌اند.یکی از موارد مورد اعتراض، نحوه اطلاع‌رسانی درباره وضعیت نامزدی یکی از اعضای کانون بوده است. در این نامه ادعا شده تصمیم مربوط به نامزدی این عضو در فاصله‌ای بسیار کوتاه تا زمان برگزاری انتخابات اعلام شده و فرصت کافی برای پیگیری و اعتراض مؤثر در اختیار او قرار نگرفته است.
اعضای معترض خواستار مشخص شدن مرجع اتخاذ این تصمیم، مستند قانونی آن و نحوه ابلاغ به نامزد مربوط هستند؛ موضوعی که از نگاه آنان می‌تواند در ارزیابی اعتبار روند انتخابات مؤثر باشد.

تعلیق کانون با کدام اختیار قانونی؟

یکی از اصلی‌ترین پرسش‌هایی که حاتمی و دیگر معترضان مطرح می‌کنند، به مبنای حقوقی تصمیم تعلیق بازمی‌گردد: مرجع صادرکننده این تصمیم بر اساس کدام ماده از اساسنامه یا مقررات موجود، اختیار تعلیق یک کانون تخصصی را داشته است؟در نامه اعتراضی، با استناد به اساسنامه خانه موسیقی، این دیدگاه مطرح شده که تعلیق یک کانون تخصصی باید مستند به اختیار صریح و معتبر باشد و نمی‌توان صرفاً با یک تصمیم اداری، حقوق اعضای یک کانون منتخب را محدود کرد.موضوع دیگر، مدت مأموریت و اعتبار تصمیمات ارکان خانه موسیقی است. معترضان معتقدند پیش از هر تصمیمی که بر حقوق اعضا اثر می‌گذارد، باید اعتبار دوره مسئولیت اشخاص تصمیم‌گیر و حدود اختیارات آنان روشن شود. با این حال، برای داوری قطعی درباره قانونی یا غیرقانونی بودن تصمیم تعلیق، بررسی متن کامل اساسنامه، مصوبات، صورت‌جلسات و مستندات تصمیم‌گیری از سوی مرجع صالح ضروری است. پرسشی که همچنان در انتظار پاسخ رسمی باقی مانده، این است که تصمیم تعلیق دقیقاً بر چه مبنایی اتخاذ شده است.

آمار انتخابات؛ مطالبه‌ای برای رفع ابهام

یکی دیگر از محورهای اعتراض اعضا، ضرورت انتشار آمار رسمی انتخابات است. معترضان خواستار اعلام تعداد اعضای واجد شرایط رأی، تعداد شرکت‌کنندگان، آرای مأخوذه، آرای صحیح و نتایج نهایی در کلیه کانون ها شده‌اند.به اعتقاد آنان، انتشار این اطلاعات برای ارزیابی صحت انتخابات و رفع ابهام درباره اعتبار تصمیمات بعدی ضروری است.همچنین پرسش‌هایی درباره نحوه پذیرش وکالتنامه‌های اعضا، رعایت مهلت‌های مقرر و نقش مسئولان اجرایی و نظارتی در برگزاری مجمع مطرح شده است. انتشار صورت‌جلسات و مستندات مرتبط، با رعایت مقررات مربوط به اطلاعات شخصی اعضا، می‌تواند به روشن شدن این موارد کمک کند.

مدیرعامل و بازرسان؛ حدود اختیارات کجاست؟

در نامه اعتراضی اعضا، به حضور مدیرعامل خانه موسیقی در جلسه انتخاباتی و حدود اختیارات قانونی او نیز اشاره شده است. نقش بازرسان و تفاوت میان وظیفه نظارت بر انتخابات و اختیار تصمیم‌گیری اجرایی، از دیگر موضوعات مورد پرسش است.
محور اصلی اختلاف در این بخش آن است که آیا اشخاص حاضر در فرایند انتخابات، در چارچوب وظایف پیش‌بینی‌شده در اساسنامه و آیین‌نامه انتخابات عمل کرده‌اند یا تصمیماتی خارج از حدود اختیارات خود اتخاذ کرده‌اند.پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم بررسی مستندات رسمی و دریافت توضیحات مسئولان مربوط است؛ با این حال، روشن شدن نقش و مسئولیت هر یک از عوامل اجرایی و نظارتی، بخشی مهم از مسیر تعیین تکلیف این اختلاف به شمار می‌رود.

وقتی «شرق بهشت» گرفتار جبر شهوت هالیوودی می‌شود



زویی کازان سازنده سریال

رمان جان اشتاین‌بک پس از سالیان درازی بار دیگر دستمایه یک اقتباس قرار گرفت، اما این بار در قالب سریال، نه فیلم. به نظر می‌رسد درست‌تر همین باشد که رمان‌های کلاسیک، که عموماً طولانی هم هستند، در قالب سریال ساخته شوند؛ وگرنه یا باید فیلم‌های چندقسمتی از آن‌ها ساخت یا یک فیلم بسیار طولانی.البته ساختن فیلم طولانی یا چندگانه به نوبه خود اشکالی ندارد، اما فیلم‌ساز در سریال دست بازتری برای روایت دارد. چنان‌که زویی کازان، نوه الیا کازان که او نیز فیلمی اقتباسی از این کتاب ساخته بود، این کار را کرد و سریالی خوش‌ساخت و بدون لکنت، وقفه و خلأ ساخت که می‌توان آن را تماشا کرد.

سریال ، فیلم ، هالیوود ، کتاب و ادبیات ،

شرق بهشت مبتنی بر کهن‌الگوی برادران نخستین جهان خلقت، یعنی هابیل و قابیل، و در اساس اولین خانواده بشریت، یعنی خانواده «آدم» است. شخصیت‌ها مشخصاً مبتنی بر همین خانواده شکل گرفته‌اند.
غیر از خود آدم که در داستان آدام نام دارد و تلاش کرد تا در کالیفرنیا «باغ عدن» خود را بسازد، کیتی ایمز نماد حواست؛ اما او توسط اشتاین‌بک به موجودی «شیطانی» تبدیل شده که بیشتر به مار یا شیطان نزدیک است تا حوا. یعنی به نوعی، جدای از شخصیت حوا، شیطان و وسوسه را نمایندگی می‌کند.

سریال ، فیلم ، هالیوود ، کتاب و ادبیات ،

چارلز و آدام، و کال و آرون، دو نسل از برادران هستند که به‌ترتیب نماد قابیل و هابیل‌اند. اشتاین‌بک عمداً نام‌ها را طوری طراحی کرد که با حروف C (قابیل: چارلز، کال، کیتی) و A (هابیل: آدام، آرون، آبرا) شروع شوند تا این تقابل را تقویت کند.این خانواده در جهانی زندگی می‌کنند که پر از شرارت است. از جنگ، که مشخصاً در جهان فکری اشتاین‌بک بسیار مورد نفرت اوست و مایه تباهی و کشته‌شدن شخصیت‌های اصلی، مانند پدر و آرون، می‌شود، تا روسپی‌خانه و فاحشگی که زندگی و خانواده را نابود می‌کند. در این جهان پر از سیاهی و پلیدی، انسان‌های زیادی هستند که نمی‌توانند بر وسوسه و شرارت ذاتی یا اکتسابی خود غلبه کنند و مغلوب آن می‌شوند؛ اما «تیمشل» می‌گوید که می‌توان بر اشتباهات و شرارت غلبه کرد.تیمشل همان کلمه عبری درون کتاب مقدس است که دقیقاً در داستان هابیل و قابیل آمده است؛ جایی که پس از خشم قابیل از عدم پذیرش هدیه‌اش برای خداوند، به او گفته می‌شود که گناه در کمین خانه است، اما تو قدرت انتخاب داری. اشتاین‌بک از این کلمه برای رد جبرگرایی استفاده کرد و تأکید کرد که انسان می‌تواند با اراده آزاد خود شر را شکست دهد و مجبور نیست سرنوشت قابیل را تکرار کند.

سریال ، فیلم ، هالیوود ، کتاب و ادبیات ،

چنان‌که آدم و آرون و دیگر شخصیت‌های مثبت سریال، که انسان‌های معتقد و مذهبی هم هستند، بر نفسانیات و شرارت‌ها غلبه می‌کنند؛ اما کیتی با وسوسه شهوت و کال یا چارلز با حسادت نمی‌توانند بر نفس خود پا بگذارند.اشتاین‌بک روزگار درستی را برای روایت و جهان خود انتخاب کرده بود. روزگاری که آمریکا در حال پیشرفت است و گشایش مرزهای جغرافیایی، توسعه و اقتصاد در جریان است؛ اما بنای بزرگ آن بر پایه جنگ و اقتصاد منفعت‌طلبانه شکل گرفته و او مدام رگه‌های آن را با لحنی انتقادی بیان می‌کند. در این میان، این تنها آدم و راهنمای شرقی او، یعنی لی، هستند که نقش هدایت‌گری و معنوی را بر عهده دارند و تمام تلاش خود را برای زندگی درست و صحیح به کار می‌گیرند. دست آخر هم آدام به‌خاطر شرارت پسرش، یعنی حسادت و عدم تمکین به راه درست زندگی، ضربه می‌خورد و درحالی‌که فلج شده است، روزهای پایانی زندگی‌اش را می‌گذراند؛ اما در آخر همان کلمه مقدس را بر زبان می‌آورد و به قابیل داستان امروزی می‌گوید که «تیمشل»؛ یعنی باز هم راه انتخاب داری برای زندگی و بازگشت. او گریه می‌کند و از اشتباه خود، که مایه مرگ برادر یا همان هابیل امروز شده، پشیمان است.
اما آنچه بیش از همه جای نقد جدی به سریال دارد، اصرار کارگردان بر نمایش بی‌پرده و افراطی فساد در فضای روسپی‌خانه است. جالب آنکه سریال تقریباً هیچ‌چیزی از جنگ و تباهی ناشی از آن، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های شرارت انسان در جهان اشتاین‌بک، به تصویر نمی‌کشد؛ اما در نمایش فساد جنسی و فضای روسپی‌خانه تا جایی پیش می‌رود که گویی چیزی برای پنهان کردن باقی نمانده است. مسئله صرفاً نمایش فساد نیست، بلکه ضرورت و کارکرد چنین نمایش صریحی در روایت است. آیا برای به تصویر کشیدن تباهی اخلاقی و ویرانی انسان‌ها، واقعاً نیازی به این میزان از صراحت در نمایش مسائل جنسی وجود دارد؟ آیا این انتخاب به شناخت عمیق‌تر شخصیت‌ها و جهان داستان کمک می‌کند یا بیشتر به ابزاری برای جلب توجه مخاطب تبدیل شده است؟

بر شرارت‌ها و گناهان غلبه کند و راه درست زندگی را برگزیند، خود در انتخاب زبان تصویری‌اش گویی از این امکان غافل مانده است. قواعد تجاری و مناسبات جذب مخاطب در کمپانی‌های بزرگ هالیوودی، سازنده جوان را به مسیری برده که در دام بزرگ تباهی اخلاق در صنعت سینما افتاده است.حالا با همان توجیه قدیمی و آشنای نمایش بی‌پرده فساد برای بازنمایی واقعیت، با یکی از بدترین سریال‌های نتفلیکس در چند سال اخیر مواجهیم. حال آنکه برای نمایش فساد و تباهی یک محیط، لزوماً نیازی به نمایش صریح جزئیات جنسی نیست و با بهره‌گیری از ابزارهای روایی و تصویری سینما نیز می‌توان همان واقعیت را به‌خوبی و حتی تأثیرگذارتر به مخاطب منتقل کرد؛ به‌خصوص آنکه مخاطب خود می‌داند روسپی‌خانه چیست و در آن چه می‌گذرد.

سریال ، فیلم ، هالیوود ، کتاب و ادبیات ،

آیا این میزان از صراحت در نمایش جنسی، ضرورت دراماتیک و زیبایی‌شناختی داشته است؟ آیا به شناخت بهتر شخصیت‌ها و جهان داستان کمک می‌کند؟ یا صرفاً به یک جاذبه بصری برای جذب مخاطب تبدیل شده است؟
اینجاست که در مثل، منتقدین فیلم علیه باورهای خود می‌شوند و تبدیل به اثری غیردینی و مذهبی می‌شوند؛ درحالی‌که نگاه فیلم با قهرمانان آن و محتوایی که از طریق زبان آدام، لی و سموئل، که او نیز در شکل‌گیری شخصیت معنوی و هدایت‌شده آدام نقش بسزایی دارد و اتفاقاً نام او نیز یکی دیگر از نام‌های انبیای بنی‌اسرائیل است، روشن است که دینی و مذهبی است.

ماجرای ۱۴ سال معطلی لایحه حمایت از زنان



سال‌هاست که با هر واقعه تلخ و تکان‌دهنده‌ای در جامعه، داغ صیانت از امنیت و کرامت زنان تازه می‌شود؛ از ماجرای تلخ «رومینا» تا حوادث اخیر. با این حال، به‌محض فروکش کردن موج احساسات عمومی، پرونده مهم‌ترین لوایح حمایتی نیز در هزارتوی اختلاف‌نظرها گم می‌شود. «لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» که بیش از یک دهه است میان دولت و مجلس دست‌به‌دست می‌شود، این روزها بار دیگر کانون توجه قرار گرفته است. «زهره‌سادات لاجوردی» نماینده مجلس، ناگفته‌هایی از این تأخیر طولانی، جزییات تغییرات اعمال‌شده و چالش‌های میان دولت و خانه ملت را روایت می‌کند.

تعیین‌تکلیف لوایح باقی‌مانده دولت قبل و به‌ویژه اصلاح ماده 612 قانون مجازات اسلامی به کجا رسید؟

لاجوردی: دولت لوایحی را که مانده و هنوز در دستور کار نیامده بوده انتخاب می‌کند و آن‌هایی را که در حقیقت می‌خواهد دوباره به مجلس ارجاع دهد و این لوایحی که فرستاده روی آن‌ها کار بشود را طبق ماده 137 مشخص می‌کند.

یکی از آن مواردی که در مجلس دوباره ارجاع داده شد که مجلس مجدد روی آن کار بکند، ماده 612 قانون مجازات اسلامی بود که حالا به لایحه رومینا معروف شده است دلیلش هم به‌خاطر آن اتفاقی که در مورد آن دختر خانم در گیلان افتاده بود.

این لایحه چون ماهیت قضایی داشت، از همان موقع به کمیسیون قضایی فرستاده شد و متاسفانه هیچ پیگیری از جانب دولت نشد تا ببینند سرانجام این لایحه و این ماده چه شد. اما هر از گاهی که یک اتفاق تلخ در جامعه ما می‌افتد، مثل همین اتفاقی که اخیراً در مورد مرحومه سوگند صیادی افتاد، بحث‌ها درباره این لایحه از سوی دولت شروع شد و مطمن باشید و بعد که موجش می‌خوابد دوباره حرفا ساکت می‌شود.

سؤال ما اینجا این است که چرا وقتی بحثی مطرح شده و لایحه‌ای فرستاده شده، حالا این اصلاح ماده 612 را، چرا دولت از کمیسیون قضایی پیگیری نکرده که سرانجامش چه شد؟

چرا دولت لوایح را پیگیری نمی‌کند؟

اتفاقاً اینجا سؤال مجلس از دولت است که چرا لوایح این‌گونه پیگیری نمی‌شود؟ ما هی شعار دفاع از حقوق زنان را می‌دهیم و در جامعه هم مطرح می‌کنیم، حداقلش این است که این مسائل را به‌موقع پیگیری کنیم و منتظر نباشیم یک اتفاق تلخی بیفتد و بعد دوباره این بحث‌ها را در جامعه مطرح کنیم، بدون اینکه منجر به نتیجه بشود. یعنی بارها و بارها این مسائل پیش آمده متاسفانه، ولیهیچ کدام از این پیگیری ها متاسفانه به نتیجه نرسیده است.

دولت چهاردهم ،

وضعیت لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان و خانواده در مجلس دوازدهم چه شد؟

لاجوردی: در مورد لایحه حفظ کرامت زنان و خانواده در برابر خشونت هم باز همین‌طور بوده است. در همان سال اول مجلس دوازدهم که بنده در کمیسیون اجتماعی بودم و مسئولیت کارگروه زنان و خانواده را داشتم، لایحه را بررسی کردیم.

بررسی هم به این شکل بود که از تمام نمایندگان و دستگاه‌های دولتی وحتی از قوه قضاییه نمایندگانی می‌آمدند و درباره این موضوع صحبت میکردیم و بایدبگویم ما حدود 50 جلسه در رابطه با این لایحه را در غالب کارگروه را برگزار کردیم. فکر می‌کنم در آن سال بیشترین کارگروهی که در کمیسیون برگزار شد همین موضوع بود و مطابق آمار بیشترین تعداد جلسات کارگروه زنان و خانواده بود که سابقه نداشت نداشت درباره این موشوع بود چون ما همه عزم خود را جزم کرده بودیم که این لایحه به سرانجام برسد زیرا بیش از 14 سال است که این لایحه معطل مانده است.این لایحه با حضور کارشناسان ویژه و نمایندگان دستگاه‌ها، در کارگروه و سپس کمیسیون مورد بحث و بررسی دقیق قرار گرفت و به تصویب رسید اما در حین بررسی، بحث استرداد لایحه مطرح می‌شد. هر جا که احساس می‌شد نظر آن‌ها تامین نشده، اما نمایندگانی که از دولت می‌آمدند هر جا احساس می‌شد نظرشان تامین نشده، اعتراض می کردند.طبق قانون، هر لایحه یا طرحی که به مجلس می‌آید، باید ابتدا در کمیسیون تخصصی بررسی شده و به تک‌تک مواد آن رأی‌گیری شود. کمیسیون این اختیار را دارد که پیشنهادهای حذف یا الحاق را اعمال کند و ارائه نظر نهایی، مستلزم طی همین روند است. پس از تصویب نهایی در کمیسیون، مصوبه باید برای بررسی نهایی به صحن علنی مجلس ارجاع شود.در حین بررسی این پرونده، چندین بار بحث "استرداد لایحه" مطرح شد؛ چرا که روند مد نظر طراحان یا دولت با تغییراتی روبه‌رو شده بود. با وجود اینکه نظرات دولت نیز در کمیسیون لحاظ می‌شد و در صورت کسب رأی به تصویب می‌رسید، همین درخواست‌های مکرر برای استرداد، موجب ایجاد وقفه‌های طولانی در روند تدوین و تصویب لایحه در کمیسیون شد.با این حال، در پی رایزنی‌ها و نشست‌های فشرده‌ای که داشتیم، شخص رئیس مجلس، جناب آقای دکتر قالیباف، با دولت وارد گفتگو شدند و در نهایت دستور دادند تا برخی از موارد مدنظر آن‌ها نیز اعمال و محقق شود.

اختلاف‌نظر اصلی بر سر عنوان و واژه «خشونت» چه بود و چرا کار به صحن نرسید؟

لاجوردی: برای نمونه، در خصوص عنوان لایحه یعنی «حفظ کرامت و حمایت از زنان و خانواده»، بحث‌های فشرده‌ای صورت گرفت؛ چرا که برخی این پرسش را مطرح می‌کردند که چرا عنوان «خانواده» در کنار «زنان» قرار گرفته و چرا صرفاً به زنان اختصاص نیافته است. در پاسخ تأکید داشتیم که باید اهمیت ویژه‌ای برای نهاد خانواده قائل شد و پس از بحث‌های متمادی، واژه خانواده در کنار آن تثبیت شد.

صاحبخانه در این شرایط حق بیرون کردن شما را ندارد



روابط موجر و مستأجر همواره یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در نظام حقوقی بوده است چراکه با وجود قراردادی بودن این رابطه و اختیار طرفین در انعقاد آن، تعارض منافع میان مالک و مستأجر همواره زمینه‌ساز اختلافات متعددی بوده است.قانون‌گذاری‌های مختلف در این حوزه تلاش کرده‌اند تا حدودی این تعارضات را برطرف کنند، اما در سال‌های اخیر با تصویب قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره‌بها و اصلاح برخی مقررات قانون روابط موجر و مستأجر، مداخلات تنظیمی قانون‌گذار در حوزه اجاره مسکن افزایش یافته و اراده طرفین تا حدودی محدود شده است.در همین راستا، حمیدرضا محمدی، وکیل پایه یک دادگستری، در گفت‌وگوی تفصیلی با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری تسنیم، به تشریح محدودیت‌های قانونی افزایش اجاره‌بها، شرایط تخلیه ملک، نحوه استرداد ودیعه، مسئولیت‌های موجر و مستأجر، نقش مشاوران املاک و خلأهای قانونی در حمایت از مستأجران پرداخته است.

سقف قانونی افزایش اجاره‌بها چقدر است؟

محمدی در تشریح محدودیت‌های قانونی افزایش اجاره‌بها اظهار کرد: بر اساس ماده ۷ قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره‌بها مصوب ۱۴۰۳، در استان‌هایی که نرخ تورم سالانه بیش از ۳۰ درصد باشد، شورای عالی مسکن می‌تواند سقف افزایش اجاره‌بها و قرض‌الحسنه را برای شهرهای مشمول تعیین کند.وی افزود: این سقف در هر استان متفاوت است و متناسب با مصوبات سالانه تعیین می‌شود؛ به‌عنوان مثال، سقف اعلام‌شده برای استان تهران در سال ۱۴۰۵، ۲۷ درصد بوده است.این وکیل دادگستری ادامه داد: علاوه بر این، بر اساس مصوبه ویژه سران قوا برای سال ۱۴۰۵، قراردادهای اجاره واحدهای مسکونی که از ۸ تیرماه تا پایان سال منقضی می‌شوند، با درخواست مستأجر و با رعایت استثناهای مصوبه، به مدت یک سال و حداکثر با ۲۵درصد افزایش اجاره‌بها و مبلغ قرض‌الحسنه تمدید می‌شوند که این حکم در سراسر کشور قابل اجراست. همچنین برای واحدهای مسکونی فاقد سابقه شناسه رهگیری اجاره در یک سال گذشته، ضوابط خاصی در نظر گرفته شده است.محمدی با تأکید بر الزام موجران به رعایت سقف‌های قانونی تصریح کرد: موجر در موارد مشمول این مقررات، حق افزایش اجاره‌بها بیش از سقف قانونی را ندارد و نمی‌تواند با استناد به افزایش قیمت‌های بازار یا درج شرط در قرارداد، از محدودیت‌های قانونی عبور کند. البته باید میان سقف عمومی استانی موضوع ماده ۷ و حکم ویژه تمدید قراردادها در سال ۱۴۰۵ تفاوت قائل شد؛ چراکه قلمرو اجرای این دو مقرره یکسان نیست.

مستأجران چگونه افزایش غیرقانونی اجاره‌بها را پیگیری کنند؟

وی درباره راهکار قانونی مستأجران در صورت افزایش اجاره‌بها بیش از میزان مجاز گفت: مطابق تبصره ۱ ماده ۷ قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره‌بها، مستأجر می‌تواند تا پنج سال پس از انعقاد قرارداد، تخلف موجر از سقف قانونی افزایش اجاره‌بها را در مرجع صالح مطرح کند.به گفته این وکیل دادگستری، در صورت احراز تخلف، موجر مکلف است مبالغ مازاد دریافتی را مسترد کند و جریمه‌ای معادل سه برابر مبلغ افزایش غیرمجاز اجاره‌بهای یک ماه را به حساب صندوق ملی مسکن واریز کند؛ از این مبلغ جریمه نیز سهمی به مستأجر نمی‌رسد.محمدی خاطرنشان کرد: صِرف بروز اختلاف با موجر، مجوزی برای توقف پرداخت اجاره‌بهای قانونی نیست و مستأجر در صورت امتناع موجر از تمدید قرارداد در حدود مقرر، باید موضوع را از طریق مرجع صالح پیگیری کند .

آیا موجر می‌تواند به دلیل نپذیرفتن افزایش اجاره‌بها مستأجر را بیرون کند ؟

این وکیل پایه یک دادگستری درباره امکان تخلیه مستأجر به دلیل نپذیرفتن افزایش اجاره‌بها بیان کرد: پاسخ به این پرسش به مدت قرارداد و مقررات حاکم بر آن بستگی دارد. در طول مدت اعتبار اجاره، موجر نمی‌تواند به‌صورت یک‌جانبه اجاره‌بها را افزایش دهد یا صرفاً به دلیل نپذیرفتن مبلغ پیشنهادی، مستأجر را ملزم به تخلیه کند؛ چراکه تغییر اجاره‌بها اصولاً مستلزم توافق طرفین یا وجود مجوز قانونی است. محمدی ادامه داد: اما اگر قرارداد منقضی شده باشد، مطابق ماده ۴۹۴ قانون مدنی، اصل بر پایان رابطه استیجاری و امکان درخواست تخلیه از سوی موجر است؛ با این حال، مصوبه سران قوا مورخ ۸ تیر ۱۴۰۵ برای بخشی از قراردادهای مسکونی استثنا قائل شده است.

وی توضیح داد: بر اساس این مصوبه، قراردادهایی که از تاریخ ابلاغ تا پایان سال ۱۴۰۵ منقضی می‌شوند، در صورت درخواست مستأجر، به مدت یک سال و با حداکثر ۲۵ درصد افزایش اجاره‌بها و قرض‌الحسنه تمدید می‌شوند و مراجع قضائی نباید صرفاً به دلیل انقضای مدت، دستور تخلیه صادر کنند.

این وکیل دادگستری با اشاره به استثناهای این حمایت قانونی گفت: این حمایت شامل چهار استثناست؛ نخست، اخذ مجوز تخریب، نوسازی یا تعمیرات اساسی؛ دوم، فروش قطعی و رسمی ملک که در صورت انقضای اجاره، مهلت حداکثر دوماهه برای تخلیه پس از انتقال سند در نظر گرفته شده است؛ سوم، احراز نیاز شخصی موجر یا افراد تحت تکفل وی به ملک توسط مرجع قضائی؛ و چهارم، تخلف مستأجر از تعهدات قراردادی که موجب ورود خسارت قابل ملاحظه به موجر شده باشد.

محمدی تأکید کرد: بنابراین، در قراردادهای مشمول این مصوبه، موجر نمی‌تواند صرفاً به دلیل نپذیرفتن افزایش بیش از سقف مقرر، مستأجر را ملزم به تخلیه کند.



جزئیات دریافت هزینه از کشتی‌های عبوری

خلیج فارس و تنگه هرمز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پهنه‌های دریایی جهان، سال‌هاست با فشارهای زیست‌محیطی ناشی از تردد گسترده کشتی‌ها، فعالیت‌های نفتی و آلودگی‌های دریایی مواجه‌اند؛ پهنه‌ای حساس که آسیب به اکوسیستم آن می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری برای تنوع زیستی و منابع طبیعی منطقه به همراه داشته باشد.در ماه‌های اخیر، موضوع دریافت هزینه‌های زیست‌محیطی از کشتی‌های عبوری از خلیج فارس و تنگه هرمز از سوی سازمان حفاظت محیط زیست مطرح شده است؛ پیشنهادی که با هدف تأمین هزینه‌های حفاظت و صیانت از این پهنه‌های دریایی و در چارچوب ظرفیت‌های حقوقی موجود دنبال می‌شود.

اما مبنای حقوقی دریافت چنین هزینه‌هایی چیست؟ آیا قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی چنین اختیاری را برای کشورهای ساحلی به رسمیت شناخته‌اند؟ پیش‌نویس تهیه‌شده از سوی سازمان حفاظت محیط زیست اکنون در چه مرحله‌ای قرار دارد و آیا قرار است سابقه آلایندگی و استانداردهای زیست‌محیطی کشتی‌ها در تعیین هزینه عبور آنها تأثیرگذار باشد؟برای بررسی ابعاد حقوقی و زیست‌محیطی این موضوع و آخرین اقدامات انجام‌شده، با آرمان خورسند، رئیس مرکز امور بین‌الملل و کنوانسیون‌های سازمان حفاظت محیط زیست، به گفت‌وگو نشستیم.

یکی از موضوعاتی که طی ماه‌های اخیر زیاد درباره آن صحبت شده و شما هم یکی دو بار در مورد آن مصاحبه کرده‌اید، بحث دریافت هزینه‌های زیست‌محیطی از کشتی‌های عبوری از خلیج فارس و به‌ویژه تنگه هرمز است. آخرین اقدامات در این زمینه به کجا رسیده است؟ پیش‌نویسی که سازمان حفاظت محیط زیست آماده و به دولت ارائه کرده بود، اصلاح شد یا به تصویب رسید؟

برای پاسخ به این موضوع باید کمی به عقب برگردیم، چون ذات موضوعات مربوط به دریا و دریانوردی، بسیار پیچیده است.

مذاکرات مربوط به این حوزه از سال ۱۹۵۸ شروع شد و در سال ۱۹۸۲ آخرین کنوانسیون تصویب شد تا شصتمین سند در این زمینه امضا و به دبیرخانه تحویل داده شود و در نهایت تا سال ۱۹۹۶ طول کشید. این روند نشان می‌دهد که موضوعات مربوط به دریا و دریانوردی از پیچیدگی بسیار بالایی برخوردار است و کشورها در مورد آنها وارد جنگ‌ها و فرسایش‌های طولانی می‌شوند.

یکی از بحث‌های بسیار پرچالش بین‌المللی نیز اتفاقاً درباره تنگه هرمز بوده است؛ اینکه عبور از این تنگه تابع نظام «عبور بی‌ضرر» باشد یا تابع نظام «عبور ترانزیتی»؟ما با وجود اینکه به این کمیسیون نپیوستیم، از ابتدا به‌صورت مستمر نسبت به این موضوع معترض بودیم که تنگه هرمز تابع نظام عبور ترانزیتی نیست و این‌گونه نیست که هر کسی خواست بتواند از آن عبور کند.دلیلش هم این است که پهنای تنگه هرمز به اندازه‌ای است که یا در محدوده آبهای سرزمینی ایران قرار می‌گیرد یا در محدوده آبهای سرزمینی عمان. مبنای حقوقی این موضوع چیست و چرا بحث عرض آب‌های سرزمینی در مورد تنگه هرمز اهمیت پیدا می‌کند؟

پیش از تصویب کنوانسیون ۱۹۸۲، عرض دریای سرزمینی به‌طور متعارف سه مایل بود. اگر همان سه مایل باقی می‌ماند، تمام این داستان متفاوت می‌شد.سه مایل برای ایران و سه مایل برای عمان در نظر بگیرید. در حالی که تنگه هرمز در باریک‌ترین نقطه خود حدود ۲۱ مایل عرض دارد.اما از سال ۱۹۸۲، عرض آبهای سرزمینی به ۱۲ مایل افزایش پیدا کرد. حالا شما حساب کنید ۱۲ مایل ایران و ۱۲ مایل عمان می‌شود ۲۴ مایل؛ در حالی که عرض تنگه در برخی نقاط حدود ۲۵ یا ۲۶ مایل یا بیشتر است. تازه این را هم باید در نظر گرفت که تنگه هرمز یک دریای نیمه‌بسته، یعنی خلیج فارس، را به یک دریای بازتر، یعنی دریای عمان، متصل می‌کند.بنابراین این موضوع صرفاً یک بحث ساده درباره یک مسیر دریایی نیست و ملاحظات حقوقی، جغرافیایی و محیط زیستی متعددی در آن وجود دارد. ما در کشور یک قانون بسیار خوب داریم که می‌تواند مبنای مهمی برای این موضوع باشد؛ «قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران».من واقعاً درود می‌فرستم به هر کسی که در تدوین و تصویب قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲ دخیل بوده است. این قانون، یک قانون بسیار راهبردی و آینده‌نگر است. بر اساس همین قانون، با تأکید بر اینکه نظام عبور و مرور از این تنگه، نظام «عبور بی‌ضرر» است، می‌توانیم موضوع را دنبال کنیم. در نظام عبور بی‌ضرر، دقیقاً چه ارتباطی میان حق عبور کشتی‌ها و مسائل محیط زیستی وجود دارد؟

وقتی ما از نظام عبور بی‌ضرر صحبت می‌کنیم، همین کنوانسیون ۱۹۸۲ در مواد ۲۱ و ۲۶ به روشنی موضوع محیط زیست را ذکر می‌کند. این کنوانسیون می‌گوید دولت ساحلی می‌تواند در ارتباط با کشتی‌هایی که در نظام عبور بی‌ضرر از آبهای آن عبور می‌کنند در موضوعات مشخصی قانون‌گذاری کند.قاعده عبور بی‌ضرر این است که شما باید بدون ضرر از اینجا عبور کنی؛ یعنی در زمان عبور نباید به کشور ساحلی ضرر وارد کنی. این ضرر می‌تواند در حوزه‌های مختلف باشد؛ می‌تواند ضرر ایمنی باشد، می‌تواند ضرر محیط زیستی باشد، می‌تواند ضرر بهداشتی یا امنیتی باشد.

عصر قانون

روزنامه اجتماعی، اقتصادی

www.asrghanoon.ir

صاحب امتیاز و مدیرمسئول | **محمد جواد اهویی**
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | **امیررضا شفایی** گرافیست و صفحه‌آرا | **آراد عبداللهی**
روابط عمومی | **جهانگیر توسلی** ناظر هنری | **محمدرضا مهدیانی**
تلفن | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸ ـ ۰۹۹۳۱۲۴۶۶۲۴** آگهی‌ها | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸**
نشانی | **بلوار کشاورز ـ خیابان عبدالله زاده ـ کوچه زیبا ـ پلاک ۴۴ ـ واحد ۵**
چاپ | **صمیم ـ ۴۴۵۸۲۸۱۴**

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



پاس‌کاری بین دولت و مجلس!

لاجوردی از سنگ‌اندازی‌ها، درخواست‌های مکرر استرداد، کوتاهی های دولت و سرنوشت مبهم لایحه رومینا سخن گفت.

۷

قیمت اسباب‌بازی در آمریکا

جنگ با ایران و اختلال تنگه هرمز به همراه تعرفه‌های واشنگتن، قیمت اسباب‌بازی‌ها در آمریکا را رکورددار کرد.

۶

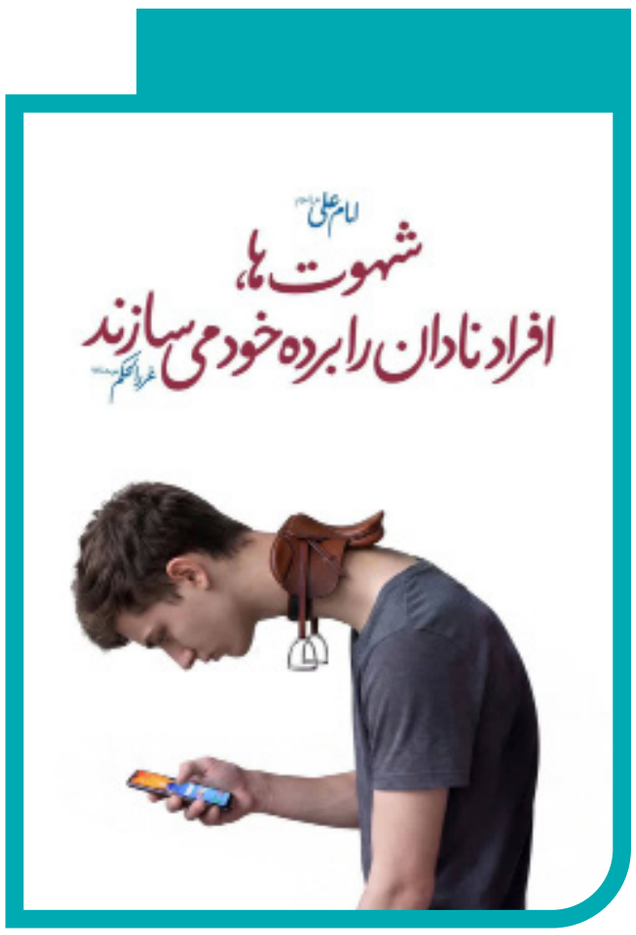



بدهی ۱۱۵۰ میلیاردی استقلال به خارجی‌ها

با نزدیک شدن به فصل نقل‌وانتقالات زمستانی فوتبال ایران، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های هواداران استقلال، وضعیت پنجره نقل‌وانتقالاتی این باشگاه و احتمال باز شدن آن است، موضوعی که با توجه به پرونده‌های متعدد حقوقی این باشگاه در فیفا، همچنان با ابهاماتی همراه است. فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا)، پس از شکایت منتظر محمد، هافبک عراقی پیشین استقلال، این باشگاه را به دلیل تعدد فسخ قراردادها از دو پنجره نقل‌وانتقالاتی محروم کرد. با سپری شدن این دو پنجره، اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا استقلال با در نظر گرفتن اینکه بازیکنان خارجی فصل گذشته از جمله دوکنز نازون و موسی جنپو قراردادشان را فسخ کرده‌اند، شانسی برای باز شدن پنجره دارد یا نه.

استقلال ۵ پرونده باز در فیفا دارد که به شرح زیر است:

ریکاردو ساپینتو، سرمربی پرتغالی استقلال: ۱۶۵ هزار دلار (رأی قطعی)کوئل کوجو، مهاجم قرقیزستانی: یک میلیون و ۲۰۰ هزار دلار (رأی قطعی)فابیو کاریله، سرمربی برزیلی (۴۰۰ هزار دلار)دوکنز نازون، مهاجم اهل هائیتی: یک میلیون و ۳۰۰ هزار دلار (این بازیکن به دلیل عارضه قلبی، درخواست دیگری برای پرداخت پول کرده که هنوز فیفا واکنشی نداشته است)موسی جنپو، مهاجم اهل مالی: یک میلیون و ۲۰۰ هزار دلار

با جمع‌بندی کلی استقلال باید بیش از ۴ میلیون دلار و با قیمت دلار در روز جاری؛ حدود هزار و ۱۵۰ میلیارد تومان به شاکیان خارجی خود بپردازد. اکنون پرسش این است چرا این فاجعه رقم خورده و چرا باید از بیت‌المال این پول پرداخت شود؟ آیا وقت آن نرسیده که نهادهای نظارتی به این مسائل ورود و رسیدگی کرده و با مسببان آن برخورد کنند؟





همه پیست‌های اسکی تأییدیه گرفته‌اند

- بهرام ساوه شمشکی درباره آخرین شرایط پیست توچال اظهار داشت:
- دو هفته قبل جلسه‌ای با حضور مسئولان پیست توچال و مدیرکل ورزش و جوانان استان تهران برگزار شد
- در این جلسه سوءتفاهمات برطرف شده و پس از انجام بازبینی، تأییدیه لازم برای راه‌اندازی این پیست صورت گرفت.
- وی ادامه داد: همه پیست‌هایی که هم اکنون در کشور فعال هستند، تأییدیه‌های فنی لازم را گرفته‌اند و از این بابت نگرانی وجود ندارد
- پیش از این به دلیل ناهماهنگی‌های صورت گرفته اعلام شده بود که پیست دیزین مورد تأیید فدراسیون نیست.



مالیات روی پاداش‌ها بی‌انصافی است

روح‌الله رستمی درباره اضافه شدن بند مالیاتی به پاداش مدال‌آوران بازی‌های پاراآسیایی ۲۰۲۶ ناگویا که بین ۱۰ تا ۳۰ درصد تعیین شده است، گفت: چند سالی بود که این مسائل را نداشتیم، اما این بار گفتند که طبق قانون جدید با این اتفاق رخ بدهد. واقعاً نمی‌دانم از موضوع از کجا آب می‌خورد، اما هر چه که هست، کار قشنگ و جالبی نیست. حتی روی مبلغ پاداش هم انتقاد داشتیم، اما هیچ‌وقت رسانه‌ای نکردیم. اینکه همین پاداش‌ها با مالیات روبرو شود، واقعاً خلاف انصاف و عدالت است. وی ادامه داد: خیلی از افراد در کشور مصونیت مالیاتی دارند و معاف هستند، آن هم در حالی که میلیاردها تومان درآمد دارند، اما یک قِران هم مالیات نمی‌دهند. در چنین شرایطی ما با این مشقت و دشواری به دنبال افتخارآفرینی هستیم، اما برای همان پاداش هم مالیات می‌بندند. واقعاً نمی‌دانم مسئول این اقدام کیست، اما می‌توانم بگویم که دور از انصاف است.

استقلال به بلوغ رسیده است؛ حاشیه‌ها نمی‌توانند ما را متوقف کنند



سهراب بختیاری‌زاده پس از پیروزی یک بر صفر مقابل صنعت نفت آبادان اظهار کرد: بازیکنان تیم ما تلاش فوق‌العاده‌ای داشتند. پیش از این مسابقه دو هدف را دنبال می‌کردیم؛ نخست ارائه فوتبال باکیفیت و حفظ ریتم فنی مطلوب تیم و دوم که اهمیت بیشتری داشت کسب سه امتیاز مقابل صنعت نفت آبادان بود.

وی افزود: صنعت نفت تیم بسیار خوبی است که طی هفته‌های اخیر متحول شده و نتایج و شیوه بازی این تیم نیز نشان می‌دهد با حریف سرسختی روبه‌رو بودیم. با این حال، خوشحالم که توانستیم به هدف اصلی خود برسیم و سه امتیاز مسابقه را کسب کنیم.

سرمربی تیمش درباره روند بازی گفت: در نیمه نخست باید صبورتر عمل می‌کردیم، اما نتوانستیم موقعیت‌های زیادی خلق کنیم. در نیمه دوم شرایط بهتر شد و با صبر و حوصله بیشتری به گردش توپ پرداختیم و خیلی زود هم به گل رسیدیم.

بختیاری‌زاده ادامه داد: پس از به ثمر رساندن گل، به‌ویژه در ضدحملات، فرصت داشتیم موقعیت‌های بیشتری ایجاد کنیم، اما در برخی صحنه‌ها بی‌دقت و احساسی عمل کردیم. با این وجود، در مجموع از عملکرد تیم رضایت دارم.

وی با تمجید از عملکرد مدافعان تیمش خاطرنشان کرد: ساختار دفاعی تیم، به‌خصوص در این مسابقه، فوق‌العاده بود. تیم صنعت نفت در خط حمله از بازیکنان و ابزارهای لازم برای خلق موقعیت برخوردار است و خوشبختانه توانستیم تا حد زیادی آنها را کنترل کنیم. در نیمه نخست نیز یک موقعیت بسیار خطرناک برای حریف ایجاد شد که خوشبختانه آن را دفع کردیم.

سرمربی تیم استقلال ضمن قدردانی از بازیکنان و هواداران گفت: از تلاش بچه‌های تیم رضایت دارم و بار دیگر از هواداران تشکر می‌کنم که در این مسابقه حمایت و پشتیبانی بسیار خوبی از تیم داشتند. این پیروزی را به همه آنها تبریک می‌گویم.

سهراب بختیاری‌زاده درباره شرایط روحی و انسجام تیم استقلال اظهار کرد: از شروع فصل به دنبال این بودم که یک تیم واقعی داشته باشیم. برای رسیدن به اتحاد و همدلی، باید با یکدیگر صادق و منضبط باشیم و رفتارهای حرفه‌ای را رعایت کنیم.

وی افزود: بازیکنان در کنار رعایت اصول حرفه‌ای می‌توانند با یکدیگر رفاقت داشته باشند، همدیگر را دوست بدارند و به یکدیگر احترام بگذارند. فکر می‌کنم استقلال اکنون به بلوغ فکری رسیده و به‌ویژه بازیکنان تیم به درک بهتری از مسئولیت‌های خود دست یافته‌اند.

سرمربی استقلال ادامه داد: بازیکنان امروز ارزش کاری را که باید انجام دهند، می‌دانند و به‌خوبی آگاه هستند که پیراهن چه تیم پرافتخاری را بر تن دارند. این موضوع من را برای هفته‌های آینده بسیار امیدوار می‌کند. به امید خدا، بخش اصلی کار را خود بازیکنان در زمین انجام خواهند داد.

بختیاری‌زاده درباره برخورد با مسائل انضباطی در تیم نیز گفت: اگر در ابتدای فصل یکی دو مورد درباره نظم و انضباط وجود داشته و به جریمه بازیکنان منجر شده، این مسائل در فوتبال حرفه‌ای طبیعی است. همان‌طور که قبلاً هم گفته‌ام، همه بازیکنان را دوست دارم و روی رفتار و عملکرد تک‌تک آنها تمرکز دارم.

وی خاطرنشان کرد: در مواقع لازم، مانند یک بزرگ‌تر به بازیکنان تذکر می‌دهم و اگر شرایط ایجاب کند، جریمه انضباطی در نظر می‌گیرم. با این حال، همه ما اعضای یک تیم هستیم و برای رسیدن به یک هدف مشترک تلاش می‌کنیم.

سرمربی استقلال در پاسخ به پرسشی درباره عملکرد محمد اسلامی و شرایط او در هفته‌های اخیر اظهار کرد: محمد بازیکن بسیار منضبطی است و از نظر حرفه‌ای نیز عملکرد خوبی دارد. تنها خواسته من از او این است که اهداف بزرگ‌تری برای خودش ترسیم کند؛ چراکه توانایی تبدیل شدن به بازیکن تیم ملی را دارد.

وی افزود: اسلامی در هفته‌های اخیر به‌خوبی نشان داده که بازیکن مفیدی برای استقلال است و ظرفیت پیشرفت بیشتری دارد. امیدوارم بتواند با هدف‌گذاری بزرگ‌تر، توانایی‌های خود را بیش از گذشته به نمایش بگذارد.

بختیاری‌زاده در ادامه درباره اعتراض هفته گذشته خود و ترک تمرین استقلال گفت: موضوع اصلی اعتراض من، شرایط نامناسب امکانات اولیه تمرین بود. از ابتدای فصل خواسته‌ام این بوده که بازیکنان استقلال، با توجه به جایگاه و سطح حرفه‌ای این باشگاه، در فضایی مناسب تمرین کنند و از امکاناتی برخوردار باشند که آرامش و تمرکز لازم را برای آنها فراهم کند.

وی ادامه داد: این موضوع را از ابتدای فصل با مسئولان و مدیریت باشگاه مطرح کرده بودم، اما متأسفانه خواسته‌هایم برآورده نشد. به همین دلیل اعتراض خود را به این شرایط نشان دادم.